

تلاش مذبحخانه امپریالیسم امریکارا برای گسترش تروریسم درهم خواهیم شکست

★ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" درباره فاجعه انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران اطلاعیهای صادر کرد.

★ بدنبال شهادت دهها تن از فرزندان صدیق انقلاب ایران از سوی کمیته مرکزی سازمان تلگرامهایی به حضور امام خمینی و آیت الله منتظری مخابره شد.

شکست



★ تشییع پرشکوه شهدای فاجعه انفجار توسط میلیونها تن از مردم زحمتکش ایران، مشت محکمی بود بر دهان مزدوران امپریالیسم آمریکا. در صفحه ۳

پیامد حوادث اخیر و عاجل ترین وظایف دولت

انفجار ناجوانمردانه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی توسط مزدوران امپریالیسم که به شهادت ۷۲ نفر از چهره های سرشناس جمهوری اسلامی انجامد فضای پرتلاطم و پرنحول ماههای اخیر را مشغول تحت تاثیر خود قرارداد. نا قبل از روز یکشنبه هفتم تیرماه (تاریخ انفجار) موج اعدام های عجولانه به دنبال اقدام رهبران مجاهدین در صدور اعلامیه های تحریک آمیز و سازماندهی تظاهرات ۳۰ خرداد ماه و دیگر پی آمدهای عزل بنی صدر از اهم مسائلی بود که توجه محافل سیاسی را در ایران و جهان به خود معطوف داشته بود.

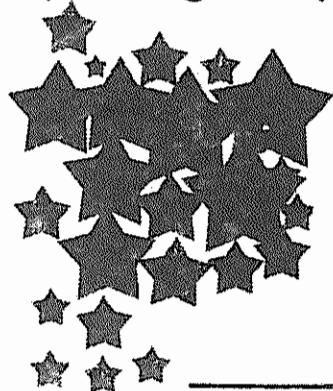
شهادت ۷۲ نفر که ...

بقیه در صفحه ۲

آرمان انقلابی رفیقان شهید ما



پیروز است



در صفحه ۱۹

۸ تیر روز شهدای سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"

به مناسبت معرفی وزیر خارجه جدید:

آقای موسوی! کدام سیاست خارجی را با مصالح

انقلاب و استقلال ایران سازگاری دانید؟

در صفحه ۴

قرارداد تالوت مغایر اهداف انقلاب است

و نباید تصویب شود

● ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به خواندن دقیق قرارداد تالوت

در صفحه ۱۳

فرا می خوانیم.

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا

پیامد حوادث اخیر و عاجل ترین وظایف ...

... اکثر آنان از جمله آیت‌الله بهشتی از شخصیت‌های بسیار موثر این جمهوری بوده‌اند علیرغم سنگینی ضربه‌های آبی و احساسی و نقصان‌های سیاسی، منطقاً نمی‌تواند در روند عمومی تحول اوضاع سیاسی - اجتماعی موجود تاثیرات اساسی برجا بگذارد.

ما در بررسی‌های قبلی نشان دادیم که مضمون اصلی مبارزه میان مدافعان رئیس‌جمهور و نیروهای پیرو خط امام خمینی در حقیقت امر، مبارزه‌ای بود بر سر محدود کردن مواضع طبقه سرمایه‌دار در حکومت و یا حفظ آن مواضع. صورت حقوقی این مبارزه به صورت مبارزه‌ای بر سر اجرای قانون اساسی تجلی یافته بود. زمانی که امام امسال را سال قانون اعلام کرد دیگر به روشنی پیدا بود که یکی از مهمترین نتایج این امر بازپس گرفتن مواضعی از مدافعان رئیس‌جمهور است که خلاف نظر و صوابدید مجلس شورای اسلامی به مثابه ارگان قانونگذار جمهوری اسلامی بدان‌ها تفویض شده است.

از این نظر بود که ما گفتیم و تاکید کردیم که ساده لوحانه مغرضانه و حتی عوام‌فریبانه است هرگاه به‌سان گروه‌های چپ‌رو، محافل وابسته به بنی‌صدر، لیبرالها، سلطنت‌طلبان و حتی بلندگوهای امپریالیستی و صهیونیستی مضمون به زیرکشدن بنی‌صدر اوج لجام گسیختگی اختناق و استبداد "تاسا حدی که لیبرالها را هم نمی‌تواند تحمل کند" قلمداد شود. بسیاری از این جریان‌ها میل بسیار داشتند که این مبارزه به صورت مبارزه‌ای میان ارتجاع و آزادی تصویر شود. محافل امپریالیستی غرب، که بر روی خود عنوان کودک فریب "دنیای آزاد" نهاده‌اند، به عبارتی یک‌صدای این تحولات را از میان رفتن آخرین نشانه‌های "آزادی" توصیف کردند و به عبارت دیگر باز هم یک صدای آن را "سقوط آخرین نقطه امید غرب در ایران" نامیدند. این عبارت هرچند ماهیت سازشکارانه خط بنی‌صدر و هواداران آن را به روشنی توضیح می‌دهد اما در عین حال عوام‌فریبانه نیز هست. سقوط بنی‌صدر، سقوط آخرین نقطه امید غرب در ایران نیست. محافل امپریالیستی غرب با خلق ما دشمن‌تر از آنند که با سقوط یک نقطه امیدشان به نقطه‌ای دیگر دل نبندند. وقایع بعدی و گسترش آتی پیکار میان انقلاب و ضدانقلاب نشان خواهد داد که چه کسی یا چه جریانی به مثابه مهم‌ترین نقطه امید غرب در ایران، پرچم شکل و رهبری همه نیروهای طبقات ارتجاعی را به دست می‌گیرد؟

در مقطع تسخیر سفارت ما به درستی نشان دادیم که می‌بایست گسترش موج پیکار ضد امپریالیستی بوده‌ها را قبل از هر چیز در به زیر کشیدن مهدی ازرگان و ادغام کابینه در شورای انقلاب و گسترش مبارزه علیه لیبرالها جستجو کرد. در آن زمان نیز چپ‌روها، از جمله فراکسیون اقلیت که در آن وقت هنوز در سازمان بود، مدعی بودند این قبل از هر چیز چیزیک عوام‌فریبی ضد امپریالیستی است ربطی به مبارزه میان خلق و امپریالیسم ندارد و مربوط است به "دعوا میان بالائی‌ها" که همه دشمن مردند.

حذف بازرگان و بنی‌صدر از حکومت قبل از هر چیز تحدید پستی مواضع بورژوازی در حکومت بود این در در آخرین تحلیل نقطه امید و محور شکل همه نیروهای مزدور، وامانده سازشکار، ضدانقلابی و وابسته به امپریالیسم شدند. با این تفاوت که بازرگان از ابتدا همان بود که می‌نمود و بنی‌صدر به تدریج چنان شد که شد.

مدافعان سرمایه‌داری و فردپرستان اینطور فکر و یا تبلیغ می‌کنند که کویا همه چیز به این باز می‌گردد که چه کسی در حکومت است؟ حال آنکه مارکسیست‌ها

بقیه از صفحه ۱

قبل از همه به این می‌اندیشند که کدام جریان در حکومت است؟ بی‌گمان شخصیت‌ها مهمند اما فقط وقتی که در ارتباط با جریان‌های سیاسی بررسی شوند. حذف یا تغییر موقعیت این یا آن رجل سیاسی زمانی اهمیت خاص پیدا می‌کند که به تغییر در خط مشی و سیاست و سمت‌گیری‌های اساسی حکومت منجر شود، یعنی حاصل پیشرفت پیکار واقعی طبقات باشد. بنی‌صدر یک فرد بود. اما دیدیم که چگونه به زیر کشیدن وی در اولین برخورد همانا شکست یک خط سیاسی خزنده‌سوی غرب بود. حذف وی شخصا غلبه یک جریان بود بر جریان دیگری که هر کدام راه خاص و متمایز خود را در برابر جامعه قرار می‌دادند. حذف بنی‌صدر حذف یک فرد نبود، حذف جریانی بود که "شعار مرگ بر آمریکا را به تدریج رو به فراموشی می‌برد".

مارکسیست‌ها از اساس تروریسم را نفی می‌کنند. زیرا این روش در بهترین حالت رجال سیاسی را حذف می‌کند بدون آنکه اساس خط مشی سیاسی را تغییر دهد. مارکسیست‌ها تروریسم را نشانه پاس و سرخوردگی جریانی می‌شناسند که بدان روی می‌آورد. کسانی تروریسم را می‌پذیرند که دیگر آمیدی به پیروزی خود ندارند. ترور هر چه قدر هم که مهم باشد باز هم بنا به ماهیت خود قادر نیست خط مشی و سیاست مطلوب خود را غلبه دهد.

عمل امپریالیسم با انفجار دفتر مرکزی حزب جدهزوری اسلامی از جمهوری اسلامی ۷۲ قربانی گرفتند ۷۲ نفری که اکثر آنها از حساس‌ترین مقامات این جمهوری بوده‌اند به گونه‌ای که هیچگاه نقش آقای بنی‌صدر در این جمهوری حتی در اوج قدرت وی نیز با آنان قابل مقایسه نبوده است. می‌دانیم که آقای بنی‌صدر حساس‌ترین نقش‌ها را در این جمهوری عهده داشته است. ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس که رکن اصلی نهادها و این جمهوری است در میان شهدا بوده‌اند. کابینه آقای رجایی چندین عضو خود را از دست داده است و دیگران نیز بی‌گمان موقعیتی کمتر از دیگران در این جمهوری نداشته‌اند.

جنایتکارانی که این جنایت را مرتکب شدند شاید بر خود ببالند که کسانی را از دور خارج کردند که بازرگان و بنی‌صدر در این جمهوری به گردن آنان هم نمی‌رسیده‌اند. اما این تنها ظاهر مسئله است. امام روز قبل از این فاجعه گفت:

هر چه شخصیت‌ها را ترور کردند قدرت مقاومت را در صفوف فشرده ملت بالاتر بردند. و این بیان عمیق واقعیت است. در این شرایط مشخص البته ۷۲ شهید از موثرترین مقامات جمهوری اسلامی برای این جمهوری ضربه سنگینی است. لاکن بسیار خطاست هرگاه تصور کنیم رفتن رهبران حزب جمهوری و نمایندگان مجلس بدینگونه که رفتند نیز غلبه یک خط بر خط دیگر است یا حتی این رفتن‌ها در اساسی ترین سیاست‌های این جمهوری تغییراتی پدید خواهند آورد. کاملاً قابل پیش‌بینی است که هر یک از مقامات جمهوری اسلامی که بر اثر شهادت این ۷۲ تن خالی مانده است، ترمیم شود. کاملاً قابل پیش‌بینی و قابل درک است که چرا حذف ۷۲ تن از موثرترین مقامات جمهوری اسلامی نتواند تغییراتی در اساس سیاست‌ها و گرایش‌های غالب بر این جمهوری پدید نمی‌آورد، بلکه به دلایل خاصی که در دست است، در لحظه کنونی موقعیت مجموعه حاکمیت را در ارتباط با جامعه مردم مستحکم‌تر و انسجام آن را بیشتر می‌سازد.

این داوری بر این واقعیت منتهی است که انقلاب ما در دوامه گذشته با همه دشواری‌ها و مشکلات جدی که با آن روبرو بود، با خط امام خمینی که نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای در جمهوری دارد، رهبری

می‌شود. این خط و رهبری به اشکالی پیچیده و متنوع و با "وسایل" متعددی که تنها به حزب جمهوری اسلامی محدود نمی‌گردد، اعمال می‌شود. آقای بنی‌صدر در تمام طول پائیز و زمستان سال گذشته در حالیکه دشمنی خود را با حزب جمهوری پنهان نمی‌کرد، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مانورها کوشید بگوید "آخوندها نمی‌گذارند" البته مانور وی کم بی‌تاثیر هم نبود. گو اینکه محاسبات وی درباره توان نیروهایش و توان نیروهای مدافع جمهوری اسلامی از اساس اشتباه بود و همین امر وی را به ارتکاب اشتباهات فاحش و اقدامات ابلهانه‌ای کشید که سقوط وی را بسیار آسان نمود لیکن یک بررسی عینی از اهرم‌های قدرتمندی که پائین کشیدن بنی‌صدر را چنین آسان به فرجام رساند، نشان می‌دهد که شرکت فعال حزب جمهوری اسلامی در جنگ مغلوبه‌ای که علیه "خطی که شعار مرگ بر آمریکا را به تدریج به فراموشی می‌سپرد" موجب تقویت خط امام در این حزب و پیوند بیشتر این خط با توده‌های مردم بوده است. این حقیقت در سخن امام خمینی که با اشاره به فرجام پیکار علیه "بنی‌صدر و هواداران او" بر استقلال مجلس و غیرحزبی بودن آن تاکید می‌کرد، تبلور یافت.

حرکت قاطع و تیزبینانه امام با بهره‌گیری هوشمندان از حماقت جبهه به اصطلاح ملی ضربه مهلکی بر جبهه متحد ضد جمهوری اسلامی وارد ساخت و این درحالی بود که سرمقاله‌های تایمز و نیویورک تایمز نوشتند که: "حذف بنی‌صدر ایران را به جنگ داخلی می‌کشد". اما اغواگری امپریالیست‌ها نتوانست برای بنی‌صدر کاری بکند و او سقوط کرد و موقعیت نیروهای خط امام تثبیت شد بی‌آنکه حادثه مهمی رخ دهد.

خطای فاحش رهبران مجاهدین در کاربرد عبارات تحالی و در عین حال تحریک‌آمیز در اعلامیه ۲۸ خرداد و تظاهرات غیرقانونی ۳۰ خرداد بازم بیشتر موقعیت را به سود نیروهای خط امام و منزه ساختن جبهه متحد امپریالیستی تثبیت کرد.

در این روز عمل عجولانه دادگاه‌های انقلاب در صدور احکام اعدام به شیوه‌ای که صورت گرفت، روی روانشناسی مردم تاثیرات منفی برجای نهاد. مردم صدور این احکام را منطقی نمی‌دیدند و به همین دلیل مهم‌ترین تاثیر آن بی‌ثبات جلوه کردن اوضاع در ذهن بخش‌های وسیعی از مردم و عدم احساس امنیت بود و در همین رابطه بود که سازمان ما به موقع نسبت به خطرات ادامه این سیاست سراسیمه‌هشدار داد و آن را دفاعی شتابزده ارزیابی کرد. اما تهاجم تروریستی شبکه‌های بمب‌اندار با سوء قصد به جان آقای خامنه‌ای و به دنبال آن انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، فضای روانی جامعه را آشکارا دگرگون ساخت و عواطف توده‌ها را نسبت به عاملان این جنایت به سرعت برانگیخت. توده‌های وسیع خلق ضمن اینکه با حکومت و قربانیان شهید این جنایت همدردی و عاطفه‌ای مشترک احساس می‌کنند در عین حال امروز دیگر تمام بار مسئولیت حفظ دساوردهای انقلاب و تحقق اساسی‌ترین خواست‌های خود را بر عهده همین مجلس، همین دولت و همین سپاه می‌بینند.

این کاملاً شایان توجه است که جمهوری اسلامی ایران در لحظه کنونی پس از شهادت ۷۲ تن از برجسته‌ترین مقامات مسئول آن که به دنبال به زیر کشیدن بنی‌صدر و مفتضح کردن و منزه ساختن جبهه لیبرالها وقوع یافته است، هم تمام ارگان‌ها که وسایل ضروری پیشبرد سیاست هستند را در دست گرفته و میدان را از "اغیار" نهی ساخته است و هم شور و احساس مثبت مردم را در این لحظه پشتوانه خود ساخته است. در لحظه کنونی حکومت در عین حال که لاف‌ها در این دور، جبهه لیبرالها و متحدین آنها را به عقب‌نشینی‌های جدی واداشته و آنان را از مهم‌ترین ارگان‌های حکومتی به زیر کشیده است، روحیات مردم

بقیه در صفحه ۱۵

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

تلاش مذبحخانه امپریالیسم امریکا را برای گسترش تروریسم درهم خواهیم شکست

امپریالیسم آمریکا در تلاش مذبحخانه برای به شکست کشاندن انقلاب ایران تاکتیک ایجاد هرج و مرج ، گسترش تروریسم و خرابکاری و پدید آوردن جو ناامنی و بی ثباتی را در درون میهن ما به کار گرفته است .
"ریگان" "هیگ" و بسیاری از مقامات عالی رتبه آمریکایی بارها بطور آشکاری از این تاکتیک سخن گفته اند . محاصره نظامی انقلاب ایران ، اعزام ناوگان های جنگی به آبهای خلیج فارس تشکیل سپاه واکنش سریع تحریک و تشویق رژیم صدام برای تجاوز نظامی ، تدارک کانون های دیگری برای تجاوز نظامی به ایران در پاکستان و ترکیه اکنون با اقدامات جنایتکارانه مزدوران امپریالیسم در داخل ، چهره آمریکا را به عنوان رهبر و سرکرده تروریسم جهانی آشکارتر ساخته است .
در دو هفته اخیر دهها مورد انفجار بمب در تهران قم ، ارومیه ، اصفهان ، شیراز ، تبریز و رشت که طی آن مردم عادی نیز جان خود را از دست داده اند گزارش شده است . سوء قصد به امام جمعه تهران حجت الاسلام خامنه ای ، ترور رئیس زندان اوین و جنایتکارانه ترین آنها ، انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در کمتر از سه روز متوالی صورت گرفت . اقدام جنایتکارانه انفجار دفتر مرکزی حزب که علاوه بر دکتر بهشتی بیش از هفتاد تن از نمایندگان مجلس ، وزیران و مسئولان طراز اول جمهوری را به کام مرگ کشاند فوراً و در فردای همان روز (ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۸ تیرماه) با بمباران پالایشگاه تبریز توسط بمب افکن های عراقی مورد استقبال رژیم صدام قرار گرفت . یک بررسی کوتاه از چگونگی پخش اخبار رویدادهای اخیر توسط نگاه های سخن پراکنسی امپریالیستی و تفسیرهایی که طی همین مدت کوتاه از جانب این محافل انتشار یافته است شادمانی محافل امپریالیستی و در راس آن محافل آمریکایی را از گسترش موج خشونت و تروریسم نشان می دهد .
تفسیر روز دوشنبه ۸ تیر

ماه رادیو بی بی سی . هدف های امپریالیست ها ، منافع آمریکا و خط سازش را در گسترش موج ترور و خشونت به روشی برملا می کند .
بی بی سی در تفسیر خود می گوید :
" مقامات رسمی انفجار دیشب را به عمل آمریکا و عراق و آنچه که آنها گروهک های مدعی نمایندگی خلق توصیف می کنند و منظور مجاهدین خلق و فدائیان خلق است : نسبت داده اند شاید مهمتر از این نسبت دادن ها این واقعیت باشد که اکنون اقدامات خشونت آمیز شکل عمده فعالیت های سیاسی در ایران شده است حزب جمهوری باید مسئولیت بزرگی به عهده بگیرد زیرا اقدامات این حزب راهی برای فعالیت صلح آمیز باقی نگذاشته است .
در این قسمت کوتاه از تفسیر رادیو بی بی سی چند نکته با اهمیت گنجانده شده است نخستین نکته تلاش محافل امپریالیستی برای دامن زدن به توهمی است که بر پایه سیاست انحرافی و غلط رهبران مجاهدین خلق و " اقلیت " می باید در اذهان توده مردم شکل بگیرد خارج کردن شبکه های مزدور امپریالیسم ، سلطنت طلبان و ساواکی ها یعنی عاملین اصلی چنین جنایاتی از زیر ضرب مردم و مقامات جمهوری نخستین هدفی است که تبلیغات امپریالیستی تعقیب می کنند . رادیو صدای آمریکا نیز با تمام قوا تلاش می کند اثبات کند که " آمریکا کوچکترین دخالتی در این حادثه که رویدادی تاسف بار بود نداشته است و حوادث جاری ایران در مسیری بدون دخالت نیروهای بیگانه پیش می رود " .
هیچ چیز به اندازه نسبت دادن این جنایات به

نیروهایی مانند مجاهدین برای امپریالیسم و مزدوران داخلی آن خوشحال کننده تر نیست . آنها با شکل دادن این توهم به نتایجی دست می یابند که کاملاً مطلوبشان است و مهمترین نتیجه شکل گیری این توهم علاوه بر خارج کردن شبکه های مزدوران امپریالیسم از زیر ضرب ، اغتشاش در شناخت دشمن اصلی مردم یعنی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا است .
دومین نکته ای که در تفسیرهای رادیوهای امپریالیستی به چشم می خورد تحریک آشکار گروه های چپ رو به اتخاذ روش های تروریستی ، تشویق آنان به زیر پا نهادن قانون دامن زدن به محیط تشنج و گسترش نا آرامی های سیاسی است . در این بخش از تبلیغات محافل امپریالیستی بهره گیری از خام اندیشی و احساسات خود انگیخته نیروهای جوانی که پشت این سازمان ها صف کشیده اند ، جای مهمی دارد . بنگاه های سخن پراکنی امپریالیست ها از یک سو در قدرت و توان این گروه ها دست به مبالغه می زنند و می کوشند با استفاده از تمایلات خود محور بینانه این گروه ها آنها را در ارزیابی غلط و مبالغه آمیزی که از خود دارند همچنان در اشتباه نگهدارند و از سوی دیگر با محاسبه روانشناسی این نیروها دشمنی علیه نهادهای جمهوری اسلامی و به ویژه حزب جمهوری اسلامی را در آنها دامن زنند . آنها مدام می گویند ، " اکنون اقدام خشونت آمیز به شکل عمده فعالیت های سیاسی در ایران شده است " و به دنبال آن اضافه می کنند " حزب جمهوری باید مسئولیت بزرگی به عهده بگیرد زیرا اقدامات این حزب راهی برای فعالیت صلح آمیز باقی نگذاشته است " . از این آشکارتر آیا

می توان منافع امپریالیسم را در گسترش جو خشونت و ترور بیان نمود .
در اینجا بطور نمایانی رو در رو قرار دادن بخش های مختلف مردم در برابر یکدیگر ، هدف محافل امپریالیستی است . امروز بیش از هر زمانی امپریالیسم نیازمند آن است که پراکندگی در صفوف مردم بیشتر دامن زده شود . و این گروه ها هر چه بیشتر از انقلاب و مردم فاصله گیرند . برعکس نیروهای اصیل انقلابی ، علیرغم انحرافات عظیم رهبران این گروه ها که آشکارا در جبهه بورژوازی علیه انقلاب " می رزمند " ! هنوز هم این گروه ها را به سوی انقلاب فرا می خوانند .
نکته سومی که در تبلیغات محافل امپریالیستی این روزها بیشتر از هر زمانی مورد تاکید امپریالیسم خری است دامن زدن به توهم نیروهای جمهوری اسلامی نسبت به نیروهای اصیل طرفدار سوسیالیسم علمی است .
محافل امپریالیستی در این زمینه روی گرایشات قشری و انحصار طلبانه در جمهوری اسلامی بسیار حساب می کنند . آنها می کوشند با علم کردن " خطر کمونیسم " گرایشات ضد کمونیستی را در جمهوری اسلامی تقویت کنند و آنها را علیه انقلابیون کمونیست برانگیزند . هدف مقدم این تبلیغات امپریالیست ها کمک به رشد و تقویت جریان های مشکوک مانند دار و دسته حزب زحمتکشان مظفر بقایی و نظایر آن در حزب جمهوری اسلامی است .
در مقابل تلاش های مذبحخانه محافل امپریالیستی و بنگاه های سخن پراکنسی امپریالیست ها ، رادیوها و مطبوعات تمامی رژیم های ترقیخواه انقلابی و سوسیالیست جهان از تلاش

مردم قهرمان ما برای تعمیق انقلاب ایران ، قاطعانه پشتیبانی می کنند . دسایس و توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب خونبار مردم را افشاء می نمایند و نسبت به این توطئه ها هشدار می دهند .
در همان زمانی که رادیوهای بی بی سی و صدای آمریکا اذهان مردم ما و جهان را برای اجرای نقشه های پلیدشان به خیال خام خود آماده می کنند ، رادیو مسکو در رابطه با انفجار جنایتکارانه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی چنین می گوید :
" مردم ایران برای بیان این نظر دلایل کافی در دست دارند که امپریالیسم آمریکا ترور را در ردیف سیاست دولتی قرار داده ، عمال آمریکا از نخستین روزهای پیدایش جمهوری دست به عملیات تروریستی علیه شرکت کنندگان فعال در انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی ایران می زنند و به جان آنها سوء قصد می کنند ... سازمان های تروریستی امپریالیست ها مدت ها است تلاش می کنند آیت اله خمینی رهبر ایران را نابود سازند . روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف در همان ژوئن سال ۱۹۷۹ نوشت گروهی از اشخاصی که تعلیمات ویژه ای دیده اند برای نابود ساختن آیت اله خمینی از خارج به ایران فرستاده شده اند "

* * *
بسیار توجه به همین واقعیت های روشن است که درجه و اهمیت حفظ امنیت ، اجرای قانون اساسی ، ممانعت از هرج و مرج و بی قانونی جلوگیری از اقدامات خشونت بار و تحریک آمیز امروز وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیست و در راس همه وظیفه حکومت جمهوری اسلامی ایران است .
همه نیروها و همه کسانی که مدافع استقلال ایران و مدافع جمهوری اسلامی ایران هستند ، همه نیروهایی که خواهان حفظ و گسترش انقلاب اند ، باید در جهت خنثی کردن تاکتیک شوم امپریالیسم از اقدامات خشونت بار و تحریک آمیز از بی توجهی به قانون اساسی بقیه در صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

تاکنون بارها از ضرورت حیاتی، اتحاد یک سیاست خارجی فعال منطبق بر مصالح انقلاب توسط جمهوری اسلامی ایران، در "کار" نوشته‌ایم.

چنین سیاستی امروز که دو سال و نیم از انقلاب بهمن می‌گذرد با توجه به دشواری‌های گوناگون اقتصادی و عواقبی که این دشواری‌ها به همراه داشته است، با توجه به ضرورت نابودی وابستگی و رشد اقتصادی مستقل و قائم به ذات که بدون آن استقلال سیاسی نمی‌تواند تداوم یابد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

متأسفانه جمهوری اسلامی ایران از بدو انقلاب بهمن تاکنون در اتخاذ یک سیاست خارجی فعال که ضامن استقلال همه‌جانبه میهن و از سوی پاسخگوی ضرورت‌های انقلاب باشد، موفق نبوده است. جمهوری اسلامی در این دو سال و نیم با تکیه بر دیدگاه به غایت انحرافی "دو ابر قدرت" عملاً مرز میان دوستان و دشمنان جهانی انقلاب و استقلال ایران را مخدوش ساخته و خود را از همکاری‌های متقابل و یاری‌های بیدریغ دوستان جهانی انقلاب ایران محروم ساخته است.

دو گرایش متضاد

تحت شعارهای یکسان

در جمهوری اسلامی ایران از بدو انقلاب تا به امروز می‌توان دو گرایش روشن و مشخص که در تضاد و تناقض با یکدیگر بوده‌اند در زمینه سیاست خارجی، تشخیص داد. یکی گرایش نزدیکی با غرب و گسترش روابط اقتصادی با امپریالیسم جهانی و یا احیاناً گسترش روابط با امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم آمریکا که در عمل خواه ناخواه به گسترش روابط با امپریالیسم آمریکا می‌انجامد. همه حاملین ریز و درشت این سیاست همواره تلاش داشته‌اند با شعارهای "نه شرقی نه غربی" و "نفی دو ابر قدرت" سیاست نزدیکی با امپریالیسم را به پیش برند.

لیبرالها و دیگر جریان‌های سازشکار همواره تحت شعار "نه شرقی نه غربی" و "دو ابر قدرت" در جهت

به مناسبت معرفی وزیر خارجه جدید:

آقای موسوی! کدام سیاست خارجی را با مصالح

انقلاب و استقلال ایران سازگار می‌دانید؟

نزدیک ساختن ایران به غرب تلاش کرده‌اند. وزارت خارجه ایران در سراسر دوره دولت موقت بازرگان و در دوره قطب‌زاده همواره شعار "نه شرقی نه غربی" سر می‌داد و همواره کانونی بود برای توطئه علیه انقلاب دور کردن ایران از دوستان جهانی انقلاب و تطهیر دشمنان سوگندخورده انقلاب و نزدیکی به غرب. از بدو انقلاب تا آخرین روزهای تصدی قطب‌زاده، لیبرالها با در دست داشتن این پست حساس، تا آنجا که توانستند در جهت نزدیک کردن جمهوری اسلامی به غرب و به دولت‌های وابسته و دست‌نشانده آمریکا از قبیل پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، عمان و غیره کوشیدند. به اعتقاد ما امروز با طرد لیبرالها و دیگر جریان‌های سازشکار از پست‌های حساس حکومتی، از یک سو گرایشی که با شعار "نه شرقی نه غربی" ایران را به سوی غرب فرا می‌خواند بیش از پیش افشاء شده است و از سوی دیگر با طرد این جریان‌ها راه بر اتخاذ سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب ایران هموار گشته است.

گرایش دوم در جمهوری اسلامی گرایشی است که استقلال‌طلب و ضد-امپریالیست است، اما با این همه تلاش دارد هدفهای استقلال‌طلبانه و ضد امپریالیستی خود را بر مبنای تز به غایت انحرافی "دو ابر قدرت" زیرلغوی شعار "نه شرقی نه غربی" به پیش برد. این گرایش امروز گرایش غالب و تقریباً منحصر به فرد جمهوری اسلامی است، اما بی‌درنگ باید اضافه کنیم که در درون این گرایش استقلال‌طلبانه و ضد امپریالیست ما بطور مشخص می‌توانیم دو بینش متفاوت را از هم تمیز دهیم یکی بینشی که همچنان قادر به اتخاذ یک سیاست منطبق با مصالح انقلاب ایران و منطبق با استقلال ایران نیست چرا که عملاً امپریالیسم آمریکا، این

روابط با امپریالیست‌های ژاپنی و اروپائی و یا سیاستی مغایر با آن؟

سخنی با

وزیر خارجه جدید

نفی هرگونه وابستگی سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی، نابودی سلطه هر قدرت سلطه‌گر و کسب استقلال کامل از اهداف اساسی انقلاب شکوهمند مردم ایران بوده و هست. ما و همه مدافعان انقلاب قاطعانه خواهان تحقق اهداف فوق و کسب استقلال همه جانبه میهنان هستیم. ما اعتقاد داریم که جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت تحقق اهداف فوق مبارزه می‌کند و قطعاً آقای موسوی وزیر خارجه جدید نیز همین اهداف را دنبال می‌کند و با توجه به همین واقعیت‌ها قرار داده‌ایم!

آقای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران!

لابد می‌دانید که برای گسترش انقلاب و حفظ دستاوردهای آن برای توسعه صنایع و کشاورزی، میهن ما به گسترش روابط با دولت‌های دیگر سخت نیازمند است و به هیچ روی نمی‌توان ضرورت حیاتی داشتن رابطه با جهان خارج را نفی کرد. سیاست پیشنهادی شما برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران با دول خارجی برچه مبنایی استوار است و چه تغییری در سیاست خارجی دو سال و نیم گذشته جمهوری اسلامی در نظر دارید؟ آیا گسترش روابط اقتصادی با انحصارهای جهانی و با دول امپریالیستی اروپا و ژاپن را مغایر استقلال اقتصادی ایران می‌دانید؟ آیا هیچ دولتی در جهان سراغ دارید که با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با دول امپریالیستی جهان به استقلال اقتصادی رسیده باشد؟! آیا هیچ دولت واقعا مستقل و غیر متعهدی می‌شناسید که میان امپریالیسم

بزرگترین دشمن جنایتکار خلقهای جهان و این بزرگترین دشمن خلق ما را در کنار اتحاد شوروی که قطعاً دوست انقلاب ما و مدافع استقلال ما است می‌گذارد و از همین رو ناچار یا بطور کلی روابط خارجی را نفی می‌کند و یا ناگزیر به گسترش روابط با امپریالیست‌های ژاپنی و اروپائی تن می‌دهد که عملاً به مفهوم افتادن در دام امپریالیسم جهانی و نفی هدفهای انقلاب ایران است. بینش دوم، کم و بیش تشخیص می‌دهد که ما همچنان دارای اقتصاد وابسته به امپریالیسم جهانی هستیم و این اقتصاد وابسته استقلال سیاسی را به شدت تهدید می‌کند. این بینش همچنان تشخیص می‌دهد که راه کسب استقلال اقتصادی گسترش روابط با ممالک امپریالیستی نیست و چنین راهی انقلاب را به شکست می‌کشاند. از این رو سخت مخالف گسترش روابط اقتصادی با امپریالیست‌های ژاپنی و اروپائی است.

این بینش ظرفیت آن را دارد که در روند انقلاب بیش از پیش دوست و دشمن را تشخیص دهد و آن روابط اقتصادی را که ضامن استقلال و آزادی ایران است بشناسد. انقلاب ایران پس از دو سال سرگردانی در سیاست خارجی امروز بیش از هر زمان نیازمند اتخاذ یک سیاست خارجی منطبق با مصالح انقلاب و استقلال ایران است. چنین سیاستی را در شرایط مشخص کنونی جمهوری همان بینش فوق‌الذکر می‌تواند کم و بیش به پیش برد از همین روست که صرف نظر از تکرار شعارهای "نه شرقی نه غربی" و "دو ابر قدرت" که احتمالاً وزیر جدید نیز به کرات بر آن تاکید خواهد کرد، آنچه در ارزیابی سیاست خارجی وزارت خارجه ایران، پس از تصدی پست وزارت خارجه توسط آقای سید حسین موسوی حائز اهمیت است آن است که وزارت خارجه از این پس با کدام بینش به چرخش در می‌آید؟ سیاست گسترش

آمریکا به مثابه دشمن و ممالک سوسیالیستی به مثابه دوست تمایز قائل نشده باشد و در عین حال توانسته باشد انقلاب را به پیروزی کامل برساند و یا استقلال سیاسی کسب شده را برای مدتی طولانی حفظ کرده باشد؟ آقای وزیر خارجه!

قطعاً شما دولت‌های الجزایر، سوریه و لیبی را به مثابه دول ترقیخواه و مستقل عرب قبول دارید این دولت‌ها که دارای تجارب گرانبهای مبارزه در راه استقلال اقتصادی خویش هستند به تجربه دریافته‌اند که گسترش روابط اقتصادی با امپریالیست‌ها چه ژاپنی، چه اروپائی و چه آمریکایی مغایر استقلال آنها است و بر کسب گسترش روابط اقتصادی همکاری‌های متقابل با دول ضد امپریالیست و ممالک سوسیالیست جهان به سود استقلال آنها و مصالح انقلاب آنها است. همچنین بی‌تردید شما باید آگاه باشید که دولت‌های عربستان سعودی، عمان، اردن، مصر، مراکش، سودان، پاکستان و غیره همگی وابسته به امپریالیسم و دست‌نشانده آنند. همچنین شما قطعاً اطلاع دارید که اخیراً نمونه‌هایی از عقد قرارداد و گسترش روابط اقتصادی ایران با دول امپریالیستی ژاپن، انگلیس و آلمان غربی وجود داشته است.

ما با درک ماهیت حکومت جمهوری اسلامی و جوهر استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی آن انتظار داریم که سیاست خارجی امروز ایران سیاستی باشد در جهت نفی وابستگی، نفی گسترش روابط اقتصادی با انحصارهای امپریالیستی جهان و دوستی با ممالک ترقیخواه عرب و بطور کلی دوستی با همه دولت‌ها و ممالک سوسیالیستی و ضد-امپریالیست جهان.

موضع شما در این موارد چیست؟ اگر گسترش روابط با دول امپریالیستی جهان را به زیان انقلاب و استقلال می‌دانید، کدام سیاست خارجی را با مصالح انقلاب و استقلال ایران سازگار می‌دانید؟

امروز انقلاب ایران به جایی رسیده است که نمی‌توان بدون اتخاذ سیاستی منطبق با مصالح و منافع آن بدون پاسخ صریح و روشن به سئوالات بالا، انقلاب را به

نگاهی به زندگی و اقتصاد عشایری

میلیون هائین از عشایر محروم و زحمتکش در انتظار اقدامات انقلابی دولت

بهره‌کشی آنان است خوانین، فتودال و سران خائن عشایر دشمن آشتی‌ناپذیر انقلاب و دوست امپریالیسم آمریکا هستند. آنان به کمک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه خود را سازمان داده‌اند، نیروهای مسلح در اختیار دارند و همواره علیه انقلاب توطئه می‌کنند. آنها خواهان نابودی انقلاب و روی کار آمدن دولت دست‌نشانده آمریکا هستند و در این راه مذبحخانه تلاش می‌کنند.

هرچند انقلاب خونبار مردم ایران تاکنون ضربات مهلکی بر خوانین فتودال و سران عشایر وارد آورده است با این همه برخی از سران عشایر مانند ناصرخان قشقای که در رژیم شاه به دلایلی مغضوب بودند بعد از پیروزی انقلاب با چهره‌ای به ظاهر ملی دوباره به درون عشایر راه یافتند و در طی زمان و به میزانی که انقلاب پیش رفت آشکارتر و رسواتر علیه انقلاب قد بر افراشتند و علیرغم آنکه نفوذ سیاسی و اقتصادی گذشته را نداشتند به دلیل ندانم - کاری‌های مسئولین و عدم توجه به خواست‌های اصولی و انقلابی توده عشایر نتوانستند توطئه‌گرانه نفوذ خود را در میان عشایر گسترش دهند و کانون‌هایی علیه انقلاب و منافع توده‌های محروم بوجود آورند.

با اینکه از همان آغاز ماهیت این عوامل سر سپرده مشخص بود، دولت جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به ساده‌دلی عشایر زحمتکش و ناآگاه هیچگونه اقدامی در جهت جذب توده‌های عشایری و طرد و افشاء این سرسپردگان به بیگانه ننمود و تازه به جای این، گذشته از اقدامات دولت موقت که آگاهانه در جهت تحکیم موقعیت خوانین فتودال و سران خائن عشایر حرکت می‌کرد پس از سقوط این دولت نیز بعضی ارگان‌های مسئول به خصوص در فارس با اعمال خشونت و برخوردهای غیر منطقی و دستگیری و آزار برخی از عشایر محروم و زحمتکش و یا در نتیجه برخوردهای غیر اصولی با بعضی از رهبران مردمی عشایر به گسترش جو بدبینی و بی‌اعتمادی علیه جمهوری اسلامی در میان توده‌های عشایری دامن زد.

هم‌اینک بیش از هر زمان دیگر ضرورت پرداختن به مسائل توده‌های محروم و زحمتکش عشایر کشور و توجه جدی به اقتصاد عشایری که به ویژه در تولیدات دامی جای انکارناپذیری می‌تواند دارا باشد احساس می‌شود. دولت باید با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی و اجرای آن در راه بهبود شرایط زندگی توده عشایر و اقتصاد برای تثبیت و تعمیق انقلاب ایران اهمیت سیاسی سرنوشت‌سازی دارد.

طرح اولیه رؤس برنامه‌ای که در صورت اجرا هدف‌های مورد نظر را تأمین می‌نماید به قرار زیر است:

- ۱ - اجرای فوری و بلادرنگ بند "ح" به منظور متلاشی ساختن پایه‌های اقتصادی و سیاسی نفوذ و قدرت خوانین فتودال و سران خائن عشایر.
- ۲ - ایجاد مراکز خدمات عشایری: مراکز خدمات عشایری با مشارکت و همکاری شوراهای عشایری جهت ارائه خدمات و انجام اقدامات زیر باید تاسیس گردد.
- الف - دامپزشکی و اجرای برنامه‌های بهبود و اصلاح نژاد دام.
- ب - ایجاد تسهیلات و امکانات لازم برای حمل و نقل دام‌ها
- ج - تقویت صنایع عشایری

سیاسی و ویژه‌ای را دنبال می‌کرد که منوحه منافع سرمایه‌داران بزرگ و وابسته بود. طرح‌های رژیم دست‌نشانده شاه با زندگی عشایری و نیز منافع توده عشایر بیگانه بودار اینرو با خشم و نفرت توده‌های عشایری و ایل‌شینیان روبرو می‌گردید. اسکان عشایر در رژیم گذشته که باید به آن نام اسکان اجباری گذاشت به هر صورت بخشی از عشایر را اسکان بخشید اما این اسکان با تخریب اقتصاد عشایری به نفع سرمایه‌داری وابسته به فقر و تنگدستی توده عشایر دامن زد.

زندگی و اقتصاد عشایری نه تنها از نظر ساختار و وجود سلسله مراتب اجتماعی، بلکه به علت کاربرد ابزار و وسائل کهن و بهره‌گیری از روش‌های ابتدایی و بدوی تولید نسبت به جامعه روستایی بسیار مشخص و متمایز است. اگرچه در سال‌های اخیر دگرگونی کلی جامعه کم و بیش تاثیر ویژه خود را بر زندگی و تولید عشایری بر جانهاسته است اما این تاثیرات با همه‌زرفای خود قادر به فروپاشی ساخت کلی آن نگردیده است. ورود برخی از ابزار و وسائل جدید و نیز بهره‌گیری از روش‌های غیر سنتی بطور محدود در زندگی عشایری هم اکنون مشاهده می‌شود. علاوه بر این تمایز طبقاتی یعنی وجود سران و خوانین بهره‌کش و ستمگر و زورگو در یک سو و توده‌های میلیونی ستمکش بدون هیچگونه حق و حقوق در سوی دیگر ویژگی ساخت طبقاتی عشایر را بخوبی روشن می‌سازد. علاوه بر این علیرغم اینکه ارتباط عشایر با بازار بسیار تنگ و محدود است عشایر زحمتکش از گزند و آسیب‌های بهره‌کشی سرمایه‌دارانه به دور نمانده‌اند. در کنار هر ایل و عشیره موجی از نزول‌خواران، سلف‌خرها و واسطه‌ها به سودجویی مشغولند. کانال‌های ارتباط محدود عشایر با بازار هرگز مانع بهره‌کشی این "زالوها" از توده‌های عشایری نبوده است.

توده‌های عشایری به‌ویژه عشایری که در سیاه چادرها زندگی می‌کنند غالباً از بسیاری از امکانات و وسایل زندگی بی‌بهره‌اند. معمولاً گفتگو از بهداشت و آموزش و حتی خدمات اولیه در زندگی عشایری سخنی گراف و بی‌بهره است. اکثریت توده عشایر از آموزش و سواد محرومند. مرگ و میرهای فراوان به ویژه در کودکان، انواع بیماری‌ها و پیری زودرس به شکل برجسته‌ای در زندگی عشایری به چشم می‌خورد. سیاست‌های ضد مردمی رژیم امریکایی شاه عقب ماندگی‌ها و مصائب فراوانی را بر توده‌های محروم و زحمتکش عشایر ایران تحمیل کرده بود که متأسفانه پس از انقلاب نیز تا کنون بطور اساسی دگرگون نشده است.

در مقابل این توده محروم میلیونی خوانین فتودال و سران خائن عشایر قرار دارند، این گروه کوچک اما با نفوذ و با قدرت برجان و مال و ناموس عشایر حاکمند بر آنان ستم می‌رانند و توده‌های میلیونی عشایر را مورد بی‌رحمانه‌ترین بهره‌کشی‌ها قرار می‌دهند. یکی از هدف‌های انقلاب ایران نابودی این قشر و رهایی میلیون‌ها عشایر زحمتکش از یوغ ستم و غارت و

عشایر از ستمکش‌ترین و محروم‌ترین مردمان مین ما هستند که در تولیدات دامی کشور نقش قابل توجهی دارند. جمعیت عشایر کل کشور بر اساس منابع مختلف تا چند میلیون نفر برآورد می‌شود که از این تعداد بخشی همچنان در سیاه چادرها بسربرده و بر اساس کوچ فصلی منظم روزگار می‌گذرانند و بخش دیگر به تدریج در طی سالیان گذشته به گونه‌ای اسکان یافته‌اند. عشایر اسکان یافته اگرچه در جگونگی زندگی و حتی تولید دستخوش تغییراتی بوده‌اند، اما هنوز با مختصات توده عشایری ایران قابل بررسی هستند. زیرا ریشه‌های محکمی آنها را بطور همه‌جانبه با زندگی و تولید عشایری پیوند می‌دهد.

فعالیت اصلی عشایر دامداری است ولی در کنار آن و بطور غیر عمد به تولید صنایع دستی از قبیل گلیم و غیره نیز می‌پردازند. برخی از عشایر علاوه بر امور دامداری بسته به مناطق بیلاق و یشلاق ایل به زراعت و باغداری نیز اشتغال دارند. زندگی عشایری تقسیم کار ویژه‌ای در بردارد که بر اساس آن زنان و کودکان سهم بازرتری در تولید بر عهده می‌گیرند. گوشت قرمز و انواع تولیدات و فرآورده‌های دیگر دامی از تولیدات عمده عشایر بشمار می‌روند.

در تولید عشایری اگرچه دام‌ها از ته‌چر برخی مزارع در مسیر کوچ بهره می‌گیرند و نیز در زمستان‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر با جو، تغاله چغندر، کنجاله به مقدار محدود و ناکافی تغذیه می‌شوند اما همچنان مهمترین منابع تغذیه دام در تولید عشایری مراتع و چراگاه‌ها است. به این دلیل تولید عشایری اساساً با عوامل طبیعی مشروط است. خشک‌سالی‌ها سرما و گرمای زودرس یا طولانی، سیل و تگرگ و عواملی از این قبیل بلاواسطه در وضعیت معیشتی توده عشایر تاثیر می‌گذارد و تولیدات و حتی زندگی آنان را با مخاطرات جدی روبرو می‌سازد. تلفات ناشی از این عوامل سالانه گاهی به صدها هزار راس دام بالغ می‌گردد توده زحمتکش عشایر در برابر این ناملایمات توان و امکان رویارویی نداشته و اجباراً بر پیامدهای ناگوار آن گردن می‌نهند. نبودن یک سیستم برنامه‌ریزی علمی جهت بهره‌برداری اصولی از مراتع و چراگاه‌ها سبب گردیده است که مراتع و چراگاه‌ها بنحو فزاینده‌ای در معرض نابودی قرار داشته باشند. این مسئله اکنون تولید عشایری را با خطراتی جدی مواجه ساخته است. قسمتی از اراضی مرتعی هم‌اکنون به بیابان و شن‌زار تبدیل شده است و بخش قابل توجه دیگری نیز به دلیل چرای بی‌رویه و شخم مراتع جهت کشت گندم دیم عملاً نابود شده است.

اساس زندگی عشایری بر کوچ‌های فصلی از چراگاهی به چراگاه دیگر، از بیلاق به قشلاق و بالعکس استوار است. سیاست اسکان عشایر و ایلات در گذشته که غالباً توسط نیروهای سرکوب و با ارباب صورت می‌گرفت به هیچ وجه بر اساس معیارهای مردمی و مترقی قرار نداشت. رژیم گذشته از اسکان عشایر و ایلات هدف‌های



طرح «استادشاگردی» وزارت کار، گامی است به عقب در تفسیر قانون کارآموزی گذشته

واقعی آن را ، سرپوش نهادن بر ادامه و تشدید بهره‌کشی لجام گسیخته از محروم‌ترین بخش طبقه کارگر ایران و هر چه دورتر کردن آنها از پوشش قانون کار و تامین اجتماعی می‌دانیم . و اما چه باید کرد؟

مسائل متعددی به موضوع بحث ما مستقیماً ارتباط می‌یابند، از جمله مسائل مربوط به واحدهای تولیدی کوچک (چه از نظر مصالح صاحبان کارگاه‌ها و چه از نظر مصالح کارگران)، مسائل مربوط به اشتغال نیروی انسانی، مسائل مربوط به آموزش حرفه‌ای و غیره . هیچ‌یک از این مسائل راه‌تنبهائی نمی‌توان بررسی نمود و نتیجه مطلوب را از آن گرفت و راه حل‌های کوتاه مدت نیز به هیچ وجه قادر به حل مشکل نخواهند بود . راه‌حل‌هایی از نوع "راه حل پیشنهادی وزارت کار" تنها بخشی از مشکل را، به شکلی یکجانبه، آن‌هم در کوتاه مدت، ظاهراً حل می‌کند . مثلاً راه‌حل پیشنهادی در مورد کارگاه‌های کوچک، تا حدی مسئله صاحبان این کارگاه‌های کوچک را حل می‌کند و به آنها امکان می‌دهد که نیروی کار ارزانی را به کار گیرند و با استثماری گسترش کارگران، درآمدی بیشتر و انگیزه‌ای برای گسترش فعالیت تولیدی خویش به دست آورند . اما در عین حال می‌بینیم که این، تنها یک جنبه از مسئله است و جوانب اساسی‌تر دیگر (که مربوط به مصالح انقلاب و طبقه کارگر می‌شود) در این طرح اساساً نادیده گرفته شده است . هر چند باید توجه داشته باشیم که اگر تنها به شکلی یکجانبه بر منافع کارگران کارگاه‌های کوچک تکیه کنیم، و توجهی به منافع صاحبان کارگاه‌های کوچک (که خود به نوعی تحت ستم سرمایه‌های بزرگ قرار دارند) نداشته باشیم، در آن صورت، اکثریت قریب به اتفاق این کارگاه‌ها رو به ورشکستگی خواهند نهاد، چرا که کارگاه‌های کوچک با بارآوری نازل، قادر به تامین هزینه‌های تولیدی بالاخص افزایش دستمزدها نخواهند بود . به این ترتیب می‌بینیم که مسئله مورد بحث ما وقتی می‌تواند به نحو روشن‌تر و همه‌جانبه‌تری بررسی شود که ما مسئله کارآموزی و آموزش حرفه‌ای (منجمله استاد شاگردی) را حول مسئله صنعت کوچک و مشکلات آن مورد بحث قرار دهیم . در اینجا ابتدا به مشکل صنعت کوچک و سپس به آموزش حرفه‌ای می‌پردازیم :

۱- مشکل صنعت کوچک :

همانطور که می‌بینیم، حل این مسئله دقیقاً مربوط به مشکل کلی صنایع کوچک می‌شود و مادامی که برخوردی عمیق و جدی با این مشکل

بقیه در صفحه ۷

این مصوبه، پنجاه و پنج صنف مختلف (بافتندگی، کفافی، قنادی، آلومینیوم‌سازی، فالپیافی و ...) یعنی عملاً اکثریت قریب به اتفاق صنوف تولیدی را می‌پوشاند . برطبق این طرح هر یک از این کارگاه‌های تولیدی به عنوان یک "کارگاه محل کارآموزی" تعیین می‌شود و "حوانانی که بدون داشتن تخصص، در این واحدها مشغول به کار و کسب مهارت می‌گردند، در صورتی که سن آنها از ۲۵ سال تجاوز نکند، برای مدت حداکثر ۲ سال کارآموز شناخته می‌شوند" .

تحت همین پوشش است که کلیه واحدهای تولیدی کوچک، کارگران را تا سن ۲۵ سالگی به عنوان کارآموز و نه کارگر، به استخدام درخواهند آورد . برطبق این طرح "میزان دستمزد کارآموز با توافق در قرارداد تعیین می‌شود و مشمول مقررات قانون حداقل دستمزد نمی‌شود . به علاوه تعطیلات و مرخصی کارآموز نیز "مطابق عرف کارگاه خواهد بود" . باین ترتیب، براساس این مصوبه می‌توان انتظار داشت که از این پس، کلیه کارگاه‌های تولیدی، کارگران را تا سن ۲۵ سالگی به عنوان کارآموز و نه به عنوان کارگر، به استخدام درآورند . و بی‌آنکه محدودیتی از بابت حداقل دستمزد و یا رعایت دیگر مقررات و تکالیف قانون کار، از جمله ساعات کار روزانه، مرخصی سالانه و غیره داشته باشند می‌توانند به استثماری کارگران با شدت بیشتری ادامه دهند . ما در اینجا به جزئیات این طرح و نکات مبهم آن از جمله اینکه چرا حداکثر سن تا ۲۵ سال تعیین شده و اینکه حتی پس از ۲ سال کارآموزی، سرنوشت کارآموز (از نظر تضمینات شغلی) چه خواهد شد و یا اینکه به چه شکل به موارد اختلاف رسیدگی خواهد شد و غیره نمی‌پردازیم، چرا که این طرح را حاوی اشکالات اساسی و بنیادی‌تری می‌دانیم و قطع نظر از هدف تعیین شده، از جمله کارآموزی انتقال مهارت‌ها، آموزش حرفه‌ای و غیره، مضمون

سرانجام وزارت کار (از طریق شورای عالی کارآموزی)، تکلیف کارگران کارگاه‌های کوچک تولیدی را پس از دو سال و نیم بلا تکلیفی روشن ساخت . اما نه تعیین تکلیفی در جهت تأمین نیازهای مبرم و اساسی کارگران این واحدها، بلکه کاملاً در جهتی معایر با مصالح و حوائج صنفی سیاسی آنها . به عبارت دیگر مقامات وزارت کار، کارگران کارگاه‌های کوچک را که درصد بزرگی از کارگران کشور ما را در بر می‌گیرند و در زمره محروم‌ترین کارگران و زحمتکشان نیز هستند، به طور رسمی از شمول قانون کار مستثنی نموده و کارفرمایان این‌گونه واحدها را از تس در دادن به ضوابط و تکالیف قانون کار معاف کردند .

البته روشن است که این کارگران، چه در رژیم گذشته و چه پس از انقلاب عملاً (و بسیاری از آنها رسماً) از شمول قانون کار حتی قانون کار ارتجاعی رژیم گذشته (که هنوز هم نافذ و جاری است) مستثنی بودند، یعنی نه حداقل دستمزد شامل حال آنها می‌شد و نه محدودیت ۸ ساعت کار روزانه و نه مرخصی استحقاقی سالانه و نه هیچ حق دیگری . اما پس از انقلاب از اولین خواست‌های جدی و اساسی کارگران، لغو قانون کار ارتجاعی گذشته و تدوین قانون کار جدید با محتوای انقلابی و شمول سراسری و عام بود . سازمان ما از همان آغاز طرح این حاجت اساسی انقلاب و طبقه کارگر ضرورت مبرم تدوین و اجرای آن را در جهت تامین حداقل منافع کارگران مورد تاکید پیگیرانه قرار داد و در انتقادهای سازنده به طرح‌های قانون کار پیشنهادی وزارت کار، که بخش بزرگی از کارگران را (یعنی کارگران کارگاه‌های کوچک را) از دیگر کارگران جدا می‌ساخت و آنها را همچون گذشته از شمول قانون کار مستثنی و محروم می‌ساخت، خواستار پوشش سراسری قانون کار و تعمیم آن به کارگاه‌های کوچک بود . جالب آنکه یکبار نیز (در ماه‌های اول پس از انقلاب) از طرف مقامات مسئول اعلام شده بود که قانون کار، کارگاه‌های کوچک را نیز در بر خواهد گرفت و این خبر برای همد کارگران و نیروهای انقلابی نوید بخش بود . اما هم‌اکنون درست خلاف آن را مشاهده می‌کنیم و قاطعانه خواستار بررسی مجدد و همه‌جانبه آن هستیم .

و اما در حال حاضر اصل مسئله چیست؟ شورای عالی کارآموزی در اردیبهشت‌ماه سال جاری "شرایط کارآموزی در کارگاه‌های تولیدی" را از تصویب گذراند و وزارت کار نیز بلافاصله "قراردادهای کارآموزی" را تهیه نمود تا از طریق ادارات کارایی در اختیار واحدهای صنعتی قرار گیرد . برای اساسی قرار شد، از طریق "احیای نظام استاد شاگردی" علاوه بر ایجاد "امکان اشتغال" و کاهش بیکاری، "امکان انتقال مهارت‌ها" به کارآموزان نیز میسر گردد . از این رو قراردادی بین کارفرما و کارآموز منعقد می‌گردد و اس فرار داد بر آن است که "روابط بین کارفرما و کارآموز را در مقابل قانون کار" روشن کند و "سند معتبری در مراجع رسیدگی به اختلافات" بین کارفرما و کارآموز باشد .

تدوین و اجرای قانون تامین اجتماعی

(مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی)

خواست همه کارگران و زحمتکشان است

مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی :

"برخورداري از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری از کار افتادگی، بی‌سرپرستی در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و ... خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند"

طرح...

بقیه از صفحه ۶

صورت نگیرد، مسائل ناشی از آن نیز پیچیده و لاینحل مانده و نه تنها این واحدها (که تعدادشان متجاوز از ۲۵۰ هزار واحد است) نخواهند توانست نقش موثری در اقتصاد ایفا کنند، بلکه به سرعت رو به ورشکستگی خواهند نهاد. همانطور که قبلا نیز در بررسی طرح اشتغال بیکاران در "تعاونی‌های تولیدی" اشاره کردیم، صنایع کوچک به تنهایی و بدون داشتن حمایت دولت محکوم به نابودی‌اند. این نیز خود متکی به وجود یک برنامه جامع صنعتی است که به تدریج بخشی از صنایع کوچک را جذب صنایع بزرگ نماید و واحدهای تولیدی باقیمانده را چه از نظر تولیدی و چه از نظر سازماندهی به هم مرتبط سازد و با ایجاد محوطه‌ها و پارک‌های صنعتی، این ارتباط و پیوند را به شکل موثری ممکن سازد. به علاوه واحدهای پراکنده صنایع مختلف با ایجاد شبکه‌های تعاونی خواهند توانست بسیاری از هزینه‌های توزیعی و حتی زیر بنایی خود را کاهش دهند. ایجاد شبکه‌های تعاونی برای هر یک از صنایع مختلف در مناطق مختلف کشور یکی از موثرترین راه‌های کاهش مسائل و مشکلات صنایع کوچک است. هر صنف در اتحادیه خود خواهد توانست شرکت‌های خرید و فروش و حمل و نقل و انبار-داری و تعمیرات و غیره را به وجود آورد. به موقع مواد اولیه مورد نیاز صنف را با کم‌ترین قیمت خرده‌فروشی نماید و بین واحدهای پراکنده توزیع

نماید و از سوی دیگر کالاهای ساخته شده آنها را به فروش رساند. دولت نیز از طریق همین اتحادیه‌ها که به شکلی دمکراتیک از اعضای صنوف مربوطه تشکیل شده و اداره می‌شود، می‌تواند حمایت‌های خود را چه از نظر اعتباری، چه از نظر خرید کالاهای ساخته شده و چه از نظر مرتبط ساختن آنها با شبکه‌های صنعت بزرگ ارائه دهد. کارگران این صنایع نیز به طریق اولی سندیکاها و اتحادیه‌های خاص خود را باید داشته باشند و تمامی این کارگران بدون استثنا باید تحت پوشش قانون کار قرار گیرند. به این ترتیب از یک سو با ایجاد اتحادیه‌های کارگاه‌های صنوف مختلف و با حمایت دولت این کارگاه‌ها از خطر ورشکستگی نجات می‌یابند و از سوی دیگر قادر خواهند شد که هزینه‌های مربوط به کارگران خود را که تحت پوشش قانون کار عمل خواهند کرد، تأمین نمایند.

به این ترتیب راه‌حلی به دست می‌آید که نه کارگاه را به تعطیلی می‌کشاند و نه اجازه می‌دهد کارگران کارگاه‌های کوچک، بیش از این مورد استثمار و محرومیت قرار گیرند و این روند به تدریج با جذب صنایع کوچک به صنایع بزرگ و متمرکز می‌تواند ادامه یابد. اما آنچه که از لابلای تصمیمات و مصوبه‌های مقامات مسئول می‌توان استنباط نمود، این است که متأسفانه درک روشنی از صنعت کوچک و مسائل آن ندارند و هنوز علیرغم تجربیات متعدد بعد از انقلاب، بالاخص تجربه "تعاونی‌های بیکاران" و به هدر رفتن نزدیک به ۴ میلیارد تومان (که با آن می‌شد یک ذوب‌آهن دیگر احداث نمود) به این نتیجه نرسیده‌اند که پرداختن به یک جزء از مسئله

بدون دیدن کلیت آن محکوم به شکست است.

۲- مسئله آموزش حرفه‌ای

و اما در مورد مسئله آموزش حرفه‌ای و کارآموزی (که ظاهراً از جمله هدف‌های اصلی طرح مورد بحث است) باید گفت این مسئله نیز به تنهایی قابل حل نیست و واضح است که مسئله کارآموزی حرفه‌ای را نمی‌توان از طریق "احیای نظام استاد شاگردی" حل کرد. این خود به مشکل آموزش فنی و حرفه‌ای مربوط می‌شود و آن نیز خود به کل نظام آموزشی کشور ارتباط می‌یابد. ما در اینجا بر آن نیستیم که نظامی برای آموزش فنی و حرفه‌ای پیشنهاد کنیم و در صورت لزوم درجای خود در این زمینه پیشنهادات خود را ارائه خواهیم داد. این مسئله‌ای است اساسی و مقابله با وابستگی صنعتی بدون داشتن یک نظام جامع آموزش حرفه‌ای ممکن نخواهد بود. این نیز خود نیازمند برنامه‌ریزی جامع و سراسری است. در برنامه‌ریزی بلندمدت آن از یکسو باید کلیه نوجوانان کشور آموزش اجباری و رایگان دوره ابتدایی و راهنمایی را طی نمایند و پس از آن علاوه بر امکان آموزش نظری در رشته‌های مختلف، دو امکان دیگر نیز یکی برای آموزش حرفه‌ای در رشته‌های مختلف (یکساله) و دیگری برای آموزش فنی و تکنولوژیک در رشته‌های مختلف (۴ساله) به وجود آید. به این ترتیب پس از پایان دوره آموزش اجباری ۸ساله، دانش‌آموزان وابسته به توان و تمایل خود و نیز بسته به امکانات و اولویتهای سه دوره آموزشی را می‌توانند طی نمایند. یا یکسال دوره آموزش حرفه‌ای می‌بیند

بقیه در صفحه ۱۹

به مشکلات صنفی کارگران روغن‌کشی و آرد ترکمن صحرا رسیدگی کنید

● مصادره و ملی شدن کارخانه "روغن‌کشی و آرد شمالی" (بندر ترکمن) و تصویب ایجاد صندوق وام به کارگران (تعاونی اعتبار) توسط بنیاد مستضعفان از جمله اقداماتی بود که مورد استقبال همه کارگران این واحد قرار گرفت. اما کارگران مبارز روغن‌کشی و آرد، علیرغم دستاوردهای فوق با مشکلات صنفی مبرمی دست به گریبانند که این مشکلات بیش از هر چیز از مسامحه‌کاری و بی‌توجهی مسئولین کارخانه در پاسخگویی به حوائج صنفی کارگران ناشی می‌شود. این مشکلات عبارتند از:

- ۱- تعدادی از کارگران سالم‌هست که به صورت پیمانی در این کارخانه کار می‌کنند و مطابق حقوق و مقررات صنفی کار، باید تا کنون رسمی شده باشند ولی مسئولین کارخانه به این خواست کارگران تاکنون
- ۲- باربران کارخانه هیچگونه پاسخی نداده‌اند و کارگران زن کیسه‌دوز از حق بیمه، سود ویژه و مزایای رسمی شدن محروم هستند.
- ۳- مبلغ افزایش دستمزد سالانه (حداًقل ۴۰ ریال) که می‌بایست از آغاز سال ۶۰ به حقوق کارگران افزوده می‌شد هنوز اضافه نشده است.
- ۴- هنوز لباس کاری را که می‌بایست در سالهای ۵۹ و ۶۰ به کارگران داده می‌شد به آنها داده نشده است.
- ۵- دهم درصد از سود ویژه کارگران به شرکت تعاونی کارگران (واقع در گرگان) واریز می‌شود. با این مبلغ می‌توان برای کارگران، شرکت تعاونی‌ای در شهرستان بندر ترکمن دایر کرد تا کارگران بتوانند از تعاونی به نحو موثری استفاده نمایند و مجبور نباشند برای تهیه اجناس مورد نیازشان به گرگان بروند.

دولت باید با پاسخ به حوائج اصولی کارگران مجال اخلاص را از مدیران لیبرال بگیرد

داده می‌شود. از طرف دیگر به دلیل سهل‌انگاری مدیریت در پاسخ به حوائج اصولی کارکنان زمینه نارضایتی و دل‌سردی در میان آنان نیز رشد یافته است از جمله حقوق اسفند ماه ۵۹ و پاداش سال ۵۹ و همچنین حقوق ماههای فروردین و اردیبهشت کارکنان پرداخت نشده است کارگران شرکت کالسیمین از مسئولین جمهوری اسلامی می‌خواهند که با واگذار کردن امور واحد به مدیری لایق و انقلابی و اجرای تعهداتش در زمینه فروش محصولات کارخانه و کاهش هرچه بیشتر فشار وابستگی مداوم تولید را در این واحد تضمین نموده و به مطالبات اصولی کارکنان بطور جدی پاسخ دهد.

به نحوه اداره تولید اعتراضی نداشتند و اساساً کاری به اخلاص‌گری‌های او ندارند. همچنین به واسطه عدم توجه مسئولانه مدیریت قسمتی از دستگاه‌های کارخانه از کار افتاده و منجر به هدر رفتن ده درصد از محصول شده است. در ضمن برای تأمین سوخت کوره پخت چهار تانک ذخیره نفت کوره هریک به ظرفیت یک میلیون لیتر در محل کارخانه نصب شده است که به واسطه مسامحه در تعمیر و نگهداری آنها لوله‌های بخار ۲ تانک ذخیره سوخت ترکیده است. در مورد لوازم یدکی نیز در حالی که می‌توان بسیاری از قطعات مورد نیاز این کارخانه را در ایران تولید نمود، همچنان تمام قطعات به خارج سفارش

● شرکت سهامی خاص کالسیمین یکی از واحدهای تولیدی (استخراج کننده سرب و روی) است که پس از انقلاب، تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران قرار گرفت مدیریت لیبرال این شرکت تاکنون به انجای مختلف کوشیده است که مداوم تولید این واحد را به اخلاص کشاند. از جمله وی با طرح دولت مبنی بر جایگزینی کارکنان ایرانی به جای پاکستانی و هندی، به بهانه‌های گوناگون مخالفت می‌کند و سعی دارد طوری وانمود کند که در صورت رفتن افراد خارجی، تولید کم خواهد شد و یا دستگاه‌ها از کار خواهند افتاد. علت اصلی مخالفت وی آن است که کارکنان پاکستانی و هندی

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

خبرهایی از روستاهای کشور

آب آشامیدنی، راه و حمام بهداشتی
در اختیار قرار دادن کود و سموم
دفع آفات نباتی

لایروبی کانالهای آبیاری مزارع، ایجاد
سدهای حفاظتی و آب بندها

کوتاه کردن دست واسطه‌ها با خرید مستقیم
محصولات کشاورزان خواست روستائیان

انخاذ سیاست‌های اصولی
دهقانان زحمتکش را در
جهت افزایش تولیدات
کشاورزی یاری دهند.

کرمانشاهان - در قریه
سراب نیلوفر دریاچه‌ای وجود
دارد که آب آن برای
کشاورزی و دامپروری مورد
استفاده بسیاری از روستاهای
استان کرمانشاهان از جمله
تازه‌آباد مورچی، کوسوند
ملک‌خطابی، ویزوند،
چغاسفید قرار می‌گیرد.
اهالی زحمتکش این
روستاها قبلاً توسط
جویبارهای کوچکی که
خودشان ساخته بودند به
میزان بسیار محدودی از
این آب استفاده می‌کردند.
بعد از انقلاب دهقانان
زحمتکش که اکثر زمین‌های
ملاکین و زمینداران بزرگ را
با کمک هات‌های هفت نفره
مصادره نمودند نیاز مبرم‌تری
به استفاده از آب این
دریاچه را دارند و در این
رابطه جهاد سازندگی نیز تا
کنون چند شاخه نهر به این
روستاها کشیده است ولی با
توجه به وسعت زمین‌ها و
همچنین برای افزایش هرچه
بیشتر تولید، دهقانان
خواستار آنند که از طریق
کانال‌کشی دریاچه سراب
نیلوفر هزاران هکتار زمین را
سیراب کنند و بدین وسیله گامی
دیگر در جهت مبارزه با
امپریالیسم جهان‌خوار

بهبود - در سال جاری
دهقانان روستای زاغمرز از
توابع بهشهر علاوه بر ۲۵۰
هکتار زمینی که هر ساله به
زیر کشت برنج می‌بردند،
توانستند با کمک جهاد
سازندگی با لایروبی یکی از
آب‌بندهای موجود که جهت
آبرسانی به مزارع برنج مورد
استفاده قرار می‌گرفت حدود
۱۰۰ هکتار دیگر از زمین‌ها را
به کشت برنج اختصاص دهند
دهقانان زحمتکش این منطقه
ضمن حمایت از اقدامات
جهاد سازندگی، خواهان
لایروبی دیگر آب‌بندهای
مزارع اطراف روستا می‌باشند
زیرا در صورت عدم لایروبی
آب‌بندها و یا به تاخیر
افتادن آن احتمال می‌رود که
به علت شکافته شدن سدهای
حفاظتی مقدار آب ذخیره
شده به هدر برود. از
مشکلات دیگر روستائیان
کمبود کود سموم دفع آفات
کشاورزی بخصوص برنج است
که برای جلوگیری از کاهش
تولید باید هرچه زودتر از
طریق شورای روستا و یا
نهادهای انقلابی در اختیار
کشاورزان قرار گیرد. قابل
ذکر است که در سال گذشته
به علت کمبود سموم دفع
آفات دز جهت مقابله با کرم
ساقه‌خوار برنج تولید محصول
برنج به میزان قابل توجهی
کاهش یافته بود.
با توجه به مشکلات فوق بر
مقامات مسئول است که با



این روستائیان داشتن آب
آشامیدنی و حمام بهداشتی
است. به خاطر نزدیک بودن
این روستا به دریا آب آن
کاملاً شور است و این مسئله
باعث گردیده که روستائیان
برای استفاده از آب
آشامیدنی و حمام از روستای
مجاور استفاده کنند.
روستائیان طاهرآباد از
مقامات مسئول انتظار دارند
که بعد از انقلاب به این
حداقل خواست آنان رسیدگی
شود.

اقدام گردد.
ساری - روستای
طاهرآباد در ۲۲ کیلومتری
شمال ساری که با جاده
اسفالتی (فرح‌آباد) ساری ۲
کیلومتر فاصله دارد واقع
است. این روستا شامل ۶۰
خانوار با جمعیتی حدود
۳۲۰ نفر می‌باشد. اکثر
جوانان و مردان این روستا
کارگرند و در راه‌آهن ساری
کار می‌کنند و زنان نیز به کار
روزمزدی بر روی زمین‌های
مالکین مشغولند. از مشکلات

بردارند
بوشهر - روستای خويز در
۸۰ کیلومتری جنوب غربی
بوشهر قرار دارد این روستا
خود از چند آبادی به
نام‌های بنیون، گشی،
مخدان، آتشی تشکیل شده
است. خويز تنها روستایی
است در تنگستان که علاوه بر
خرما، مرکبات نیز تولید
می‌کند. هرچند در خويز
عمده مالک وجود ندارد ولی
هرگز ساکنین آن از گزند
خانهای تنگستانی و مزدوران
رژیم سفاک پهلوی مصون
نماندند از جمله از احمدخان
تنگستانی، رئیس غلامحسین
تنگستانی و حاجی سردارخان
پولادی می‌توان نام برد.
از سال ۱۳۴۳ در ادامه
سیاست‌های ضد خلقی رژیم
شاه در امر کشاورزی و به
دنبال سرمای شدید در بعضی
از باغ‌های خويز آفت پیدا
شد و از آن سال تاکنون
حاصل کشاورزی هر سال چه
از لحاظ کمی و چه کیفی سیر
نزولی داشته است بطوری که
اکنون محصول آبادی‌های
بنیون و یخ نسبت به سال
قبل از سال ۴۳ تا ۷۰٪ و
گشی تا ۵۰٪ کاهش یافته است
اکنون کشاورزان خويز از
دولت انتظار دارند که:
۱ - خرما و مرکبات را در
محل با قیمت عادلانه از
کشاورزان خریداری نموده تا
بدین وسیله دست واسطه‌ها
و دلالان قطع گردد.
۲ - با تغییر جاده خاکی
۲۲ کیلومتری خويز - اهرم
حمل و نقل میوه‌جات آسان‌تر
انجام گیرد تا میوه‌ها با خرج
کمتری به شهر برسد و هم
رفت و آمد زحمتکشان روستا
را تسهیل کند.
۳ - با اعزام کارشناسان
کشاورزی در جهت شناسایی
و مبارزه با آفات کشاورزی

دستان پینه بسته ات ای پیر سخت کوش بالا ترین سند مالکیت توست



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

خروش دریای خلق مرگ بر آمریکا

روز سه‌شنبه ۹ تیرماه در یکی از کم نظیرترین راهپیمایی‌های دو سال و نیم اخیر، مردم قهرمان ایران با خروش دشمن شکن "مرگ بر آمریکا"، ۷۲ شهید انقلاب را که در انفجار جنایتکارانه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیده بودند با شکوه فراوان تشییع کردند.

روز سه‌شنبه اوج تظاهرات خشم ملت بود که علیه توطئه‌های آمریکای جنایتکار و ایادی داخلی آن با قهرمانی می‌رزمد. و هر دم مصمم‌تر از پیش بر خیابان‌ها ریختند تا فریاد "مرگ بر آمریکا" را کوبیده‌تر سردهند، تا بلوغ سیاسی خود را که در کوره پیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکای جنایتکار بدان دست یافته‌اند به نمایش بگذارند. در چشمان میلیون‌ها زن و مرد، کودک و پیرکه بر چهره‌شان گرد غم نشسته بود، دیدیم آن شعله مقدس کینه علیه آمریکا را که در روزهای تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا شاهدش بودیم. و شنیدیم خروش دشمن شکن توده میلیونی مردم را در سرودی که با مطلع مرگ بر آمریکا شروع

می‌شد و با "مرگ بر آمریکا" ادامه می‌یافت. امپریالیسم دفعات پیش به عبث گمان برده بود که با گرفتن ۷۲ نفر قربانی از مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی، خواهد توانست آنان را از صحنه بدر کند. لیکن مردم ما بار دیگر در قالب یکی از پرشکوهترین راهپیمایی‌هایشان، ثابت کردند که در برابر آمریکا و مزدوران داخلی آن تنها یک پاسخ دارند. و آن مشت‌های فشرده‌ای است که با خروش "مرگ بر آمریکا" به پوزه آنان فرود می‌آید.

امام خمینی تصویر زیبا و پرمعنایی از دریای خروشان خلق در روز سه‌شنبه ارائه داد:

"ملت یک دریای بزرگی است. این دریای بزرگی هست و به جای اشخاصی که از صحنه آنها با شهادت بیرون می‌روند، جنایتکاران آنها را از صحنه بیرون می‌کنند، به جای آنها باز افراد می‌آیند و این سیر خروشان هست تا اینکه آمریکا را و سایر کشورهایی را که می‌خواهند ما را طعمه کنند قطع طمع هم‌آنها بکند"

★



اطلاعات - دوشنبه ۸ تیرماه

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی فدائیان خلق (اکثریت) استوارتر از همیشه تحت رهبری امام خمینی علیه آمریکای جنایتکار قاطعانه می‌رزمند؛ این مشت محکم ماست بر دهان مزدوران امپریالیسم

"اینان هرچه شخصیت‌ها را ترور نمودند، قدرت مقاومت را در صفوف فشرده ملت بالا بردند."
مردم زحمتکش و همیشه‌بیدار!

جنایت ددمنشانه مزدوران امپریالیسم آمریکا که با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی دهها تن از فرزندان مبارز خلق ما را به شهادت رسانیده است، تنها یک پاسخ می‌تواند داشته باشد: اتحاد هرچه فشرده‌تر تمام آحاد ملت همیشه بیدار ما با هر عقیده و مسلکی تحت رهبری امام خمینی علیه امپریالیسم ددمنش آمریکا و همه مزدوران جنایتکار آن.

سازمان ما و همه نیروهای انقلابی با پشتیبانی قاطع خود از امام خمینی، مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای مدافع انقلاب این توطئه‌های مذبحخانه عمال آمریکای جنایتکار را نیز درهم می‌شکنند. این جنایتکاران مزدور بدانند که مردم ایستاده‌اند و به همین دلیل فرجامی جز شکست و نابودی در انتظارشان نیست. شبکه توطئه‌گران مزدور آمریکا که جای خود دارد، اربابشان امپریالیسم آمریکا نیز هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

میهن ما لحظات حساسی را می‌گذراند. امروز بیش از همیشه وحدت کلمه و وحدت عمل همه ما مهم‌ترین شرط علیه ما بر دشمنان ددمنشی است که بعد از شکست توطئه‌های طبس و نوژه و بعد از شکست اهداف جنگ صدامی - آمریکائی امروز چون خفاشان شب پرست شیوه ردیلا نه و نامردمی بمب‌گذاری را پیشه کرده‌اند. هدف اصلی این تلاش‌های مذبحخانه ایجاد رعب و وحشت و بی‌ثبات جلوه دادن اوضاع است تا به خیال خام خود زمینه را برای شکست انقلاب و بازگشت عمال خود به حکومت هموار سازند. وقت آن است که همه ما دست در دست یکدیگر بگذاریم و با هر عقیده و مسلکی که داریم تحت رهبری قاطعانه امام خمینی این توطئه کثیف و ددمنشانه را نیز در نطفه خفه سازیم.

* هواداران سازمان همدوش و همراه با دیگر نیروهای مدافع انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران باید تمام هشیاری خود را به‌کار گیرند. حرکات شبکه مزدوران امپریالیسم آمریکا را دقیقاً زیر نظر بگیرند و هر اطلاعی از طرح‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه آنان به‌دست آورند، فوراً سپاه پاسداران و سازمان را مطلع سازند.

* در مراسم سوگواری و تشییع این شهیدان انقلاب در سراسر ایران با خروش دشمن شکن مرگ بر آمریکا در تأکید رهبری امام خمینی شرکت کنند. مراسم تشییع و سوگواری فریادی است علیه امپریالیسم آمریکا و جلوه‌ای است از وحدت خلق تحت رهبری امام خمینی.

* از دست زدن به اقدامات خودسرانه، تشنج آفرین و نسنجیده پرهیز کنیم. حفظ آرامش و جلوگیری از تشنج مهم‌ترین وظایفی است که برعهده ماست.

* عناصر، گروه‌ها و سازمان‌هایی که تاکنون راه کج رفته‌اند را باز هم بسوی انقلاب فراخوانیم. بمب‌گذاری اخیر مزدوران امپریالیسم آمریکا نشان داد که راه کج رهبران سازمان‌ها و گروه‌هایی که برای مبارزه با آمریکا تشکیل شدند، ولی امروز خود را در مقابل این جمهوری و رهبری امام خمینی قرار داده‌اند، تا چه پایه اشتباه و زیانبار است. چه چیز تا سفاک‌تر از اینکه با استفاده از سیاست غلط رهبران این گروه‌ها، شبکه‌های ضد انقلابی مزدور آمریکا فرصت یافته‌اند مردم را در تشخیص عاملین اصلی این جنایات به اشتباه بیاندازد.

شهادت دهها تن از فرزندان مبارز خلق قهرمان ایران بر اثر انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران را به دست مزدوران امپریالیسم آمریکا به خلق قهرمان ایران، به تمام رزمندگان و مدافعان همیشه‌بیدار این جمهوری و به پیشگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب خلقمان امام خمینی تبریک و تسلیت می‌گوئیم. همه قلم‌ها و مسلسل‌ها را به سوی امپریالیسم آمریکا نشانه رویم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
دوشنبه ۸ تیرماه ۱۳۶۰

اقلیت : در سالگشت انشعاب

مارکسیستی" می خوانند و (از جمله در کار اقلیت شماره ۹۹) تصریح می کنند "نه ما و نه هیچ مارکسیست - لنینیست انقلابی و نه حتی دمکرات های انقلابی بر چنین تحریفات، شعارها و تزه های ارتجاعی مهر تأیید نخواهد کوبید و دستاوردهای عظیم بشریت را در راه رهائی از بند ستم امپریالیستی و ساختمان سوسیالیسم را نادیده نخواهد گرفت و در دام شعار ارتجاعی "سوسیال امپریالیسم" گرفتار نخواهد آمد" و از سوی دیگر در یکساله اخیر هر جا که فرصت یافته دست در دست "پیکار" گذاشته و خود را متحداً در برابر مردم و انقلاب قرار داده اند و در عین حال هر بار از خود انتقاد کرده است که هم دستی با پیکاری های آنا رشیست مواضع آنها را مخدوش کرده است!

رهبران اقلیت می گویند نه اساس عقاید پیکار را قبول دارند و نه شیوه مبارزه آنها را و از سوی دیگر طی یکساله اخیر در هر فرصتی دست پیکار را فشرده و با هم "پلانفرم" مشترک امضاء کرده اند. در عین حال اقلیت از هواداران خود خواسته است که در برخورد با کسانی که روی این تناقضات و تزلزلات انگشت می گذارند، فعال برخورد کنند.

علت این همه لختی و سستی

اقلیت درست در روز سالگرد انشعاب خود، یعنی روز ۱۳ خرداد سال جاری در سرمقاله نشریه خود تحت عنوان "پیش از توفان" اعترافی غم انگیز را رقم زده است. اقلیت با نومیادی گذشته های اعتراف می کند:

"بسیار از تحولات موجود عقب مانده است اما قادر است این عقب ماندگی خود را جبران کند، و به صورت نیروی فعال در صحنه مبارزه موجود ظاهر گردد... شایسته سازمان های انقلابی نیست که نظاره گر اوضاع بحرانی موجود و کشمکش جناح های ضد انقلابی باقی بمانند... البته مبارزه طبقاتی الزاماً آنها را به صحنه مبارزه فعال خواهد کشاند اما اگر لختی و سستی پذیری که امروز این سازمان ها را و هواداران آنها را فرا گرفته است جای خود را به تحرک و پویائی ندهد، در نهایت خواسته یا ناخواسته به دنبال این یا آن بلوک متخاصم کشیده خواهند شد.."

و توگوئی که تمام دردها و رنج های یکساله، تمام ابهامات و تناقضات بجا مانده و تمام آرزوها و ادعاهای سترون گشته این دوستان سابق ما به نحو تکان دهنده در این جملات بیان می شود. این هرگز تصادفی نیست که هواداران اینگونه جریانات به لختی و سستی تن می دهند. هیچ

بقیه در صفحه ۱۱

زمانی که رژیم صدام این جنگ تحمیلی را علیه مردم ما آغاز کرد، اقلیت (روز ۸ مهر) به هواداران خود رهنمود داد:

"... تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوزی و برقراری صلح است. ... با تشکیل هسته های مسلح بطور مستقل به دفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ زده برخیزید! ..."

... سیاست درست نیروهای انقلابی در این است که در عین افشای ماهیت جنگ و حاکمیت، توده ها را در تشکلهای خود نظیر شوراهای کمیته های محلی و دیگر ارگان های توده های متشکل و مسلح سازند و تحت رهبری نیروهای انقلابی و ارگان های توده های علیه هر نوع سیاست الحاق ارضی، از جبهه متجاوزین عراقی به مبارزه برخیزند. تنها سیاست درست تسلیح توده ها در ارگان های توده های است. "

این ها همه عین رهنمودهایی است که رهبران منشعبین در آن زمان کشف و اجرای آن را به هواداران خود توصیه کرده اند. در اینجا خطای تئوریک و نفهمیدن چگونگی اتخاذ تاکتیک نیست که جلوه گر شده است. چیزی فراتر از این حرفها رخ داده است. کسی که یک جو عقل داشته باشد کسی که به خود زحمت داده باشد از پنجره اطاق کارش سر خود را بیرون آورد و نیم نگاهی به جبهه های جنگ بیاندازد، کمتر امکان دارد از این حرفها بزند. ما به حق این رهنمودها را در آن زمان "مزخرفاتی بی نهایت سفیهانه" نامیدیم اکنون می توان درک کرد که این قضاوت عین حقیقت بود. امروز پس از گذشت ۹ ماه می توان درک کرد که این "تنها سیاست درست" تا چه میزان به دور از واقعیت، ذهنی و سرشار از سفاهتی کودکانه بوده است. کدام یک از آن هواداران تا امروز توانسته است کدام گلوله را از سوی کدام یک از شوراهای مسلح توده های (آنهم تحت رهبری اقلیت) به سوی کدام یک از متجاوزین عراقی شلیک کند؟! آیا تنها سیاست درست، سیاستی است که هرگز عملی نباشد و عملی نشود؟! خداوند به درد دل آن هوادار صادقی برسد که مخلصانه ۹ ماه است می کوشد رهنمود رهبران خود را در زمینه جنگ ایران و عراق به کار بندد گناه از هواداران نیست، عیب از آن تحلیل های من درآوردی از ماهیت این جمهوری است که با درک سراپا مغلوب از اشکال تشکل و اشکال ضروری مبارزه جمع شده اند. آری، اشکال کار از جای دیگری است!

تناقض در برخورد با مائوئیسم

در رابطه با جریان های مائوئیستی و در برخورد با سموم افکار مائوئیستی و ماجراجویانه نیز رهبران اقلیت در یکساله اخیر هواداران خود را مکرراً گیج و سردرگم و آچمز کرده اند. آنها از یک طرف مدام در حرف معتقدات اساسی مائوئیست ها را "ارتجاعی، ضد علمی و ضد

روز ۱۳ خرداد ماه پارسال فراکسیون اقلیت که بعد از پلنوم مهرماه ۵۸ در سازمان شکل گرفته بود با انتشار نشریه های جداگانه اعلام انشعاب کرد و اکنون که حدود یکسال از آن تاریخ می گذرد جای آن دارد با نگاهی کوتاه بر آنچه پشت سر نهاده ایم لحظه ای را روی وضعیت کنونی اقلیت درنگ کنیم و راستای تحول آتی آن را دریابیم.

دید گج نسبت به ماهیت جمهوری

یکسال و اندی پیش از این ما با اقلیت درباره ماهیت جمهوری اسلامی و حاکمیت آن بحث های زیادی داشته ایم. آنها معتقد بودند که حکومت ارگان سازشی است میان "دو فراکسیون بورژوازی" مرکب از حزب جمهوری و لیبرالها. آنها همچنین معتقد بودند که چون (بمزمع ایشان) سرمایه دار غیروابسته نداریم، لذا هر دو فراکسیون نماینده بورژوازی وابسته است و از این نظر سراپا ضد خلقی و ارتجاعی و حافظ منافع امپریالیست هاست و امپریالیست ها هرگز طرح و نقشه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند و نمی توانند داشته باشند.

اما واقعیت جز این است و دهها نمونه دیده شده و می شود که امپریالیسم و ارتجاع شکست خورده قصد و طرح سرنگونی این جمهوری را در سر دارند. دیدیم که چگونه این پیشداوری های منشعبین پیرامون ماهیت حکومت آنها را به تناقض گوئی کشید و در توضیح دلایل طراحی توطئه کودتای نوژه دچار تنگی قافیه شده و گفتند این ارگان سازشی است که هنوز سازش نکرده است. آنگاه که حرفهای ما با واقعیت جور در نمی آید، بسیار طبیعی است که آن حرف های پوچ و بیهوده باید به کنار نهاده شوند، نه واقعیت هایی که سرسختانه خود را بر ما تحمیل می کنند. و در عین حال آنان که تحلیلی غیر واقعی از مهم ترین واقعیت های جامعه ما دارند، قطعاً قادر نخواهند بود نقش فعال در مهم ترین تحولات جامعه ما برعهده گیرند. آنها دائماً از تحولات موجود عقب می مانند.

انحراف در انتخاب تاکتیک

در همان زمان رهبری سازمان تاکید داشت که اقلیت منشعب مشی و تاکتیک هایی کاملاً ذهنی و به دور از واقعیت اتخاذ می کند و گوش کردن به حرفهای آنها یک معنایش ترک حضور در مبارزات بطور عینی در حال گسترش و معنای دیگرش همانا تقابل با مبارزه انقلابی گسترش یابنده مردم است. تمام بحث ما با اقلیت در طول سال ۵۸ حول این مسئله دور می زد که اشکال تشکل و مبارزه از مختصات عینی مبارزه طبقاتی، تجرید می شود. ما در بحث های مربوط به "مشی مسلحانه" تاکید داشتیم که تنها آن اشکالی از مبارزه و تشکل باید توسط ما توصیه و تبلیغ و ترویج شوند که با واقعیت های عینی موجود سازگار باشد و این سخنی بود که تا به آخر هم به گوش معتقدین به مشی چریکی فرو نرفت که نرفت.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اقلیت : درسالگشت

بقیه از صفحه ۱۰

فعلا اینها بروند، ابلیس هم بیاید بهتر از اینهاست! آیا واقعا چنین است؟ آیا واقعا دولت موقت بهتر از اینهاست؟ آیا رژیم شاه بهتر از اینهاست؟

ما سخت‌ترین و صریح‌ترین انتقادات را نسبت به عملکردهای حزب جمهوری تاکنون به عمل آورده‌ایم اما در عین حال می‌دانیم که سرمایه‌داران شمال‌شهرنشین هر شب گوش خود را به رادیو بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا چسبانده‌اند تا خبر شاد و شورانگیز سقوط این جمهوری را از زبان اربابانشان بشنوند. چطور شما به خود جرات می‌دهید داد و قال روزشنبه ۳ خرداد را "خیزش انقلابی توده‌ها" بنامید؟ در حالیکه می‌دانید پرشورترین و سرسخت‌ترین مدافعان این جنجال‌ها که آماده‌اند از آن کوهی بسازند، سرمایه‌داران و تجار گردن‌کلفت بازار، باندهای ضدانقلابی و محافل امپریالیسم آمریکا بوده‌اند.

پستانک لاستیکی برای هم‌زمانی با امپریالیسم

و سرانجام تازه‌ترین سقوط بی‌وقفه اقلیت با شعار مسخره، متناقض و در عین حال تأسف‌بار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش به سوی تشکیل مجلس موسسان" و صدور اعلامیه ۸ تیر آنهاست. شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی"، شعار امپریالیسم آمریکا، شعار سلطنت‌طلبان، شعار لیبرالها، شعار جبهه متحد ضدانقلاب است. آنها هم مثل شما با این شعار مشروعیت و قانونیت این جمهوری و رهبری امام خمینی را مورد تهاجم قرار داده و می‌دهند. دست شما با این شعار چنانکه خود شما نیز در همین نشریه‌تان اعتراف کرده‌اید، در دست عمال آمریکا، شبکه‌های تروریستی سلطنت‌طلبان، دستجات و احزاب و دفاتر لیبرالی است.

شما در اعلامیه ۸ تیر خود نوشته‌اید: "... در لحظه کنونی این حزب خطرناک‌ترین دشمن توده‌هاست. بنابراین باید سرسختانه به مقابله با آن برخاست."

"تنها و تنها مبارزه و پیگیری شماست که می‌تواند حزب جمهوری اسلامی و همه مرتجعین را به گورستان تاریخ بسپارد..." چه چیز از این مصیبت‌بارتر؟ چقدر ما تاکنون گفته‌ایم که این سیاست کج و معیوب امثال شما، مردم را در شناخت عاملین اصلی بمب‌گذاری‌ها و ماهیت پلید باندهای سلطنت‌طلب گمراه کرده و می‌کند؟ ما که شما را خوب می‌شناسیم نیک می‌دانیم که تاکتیک کنونی امثال شما از این جور کارها نیست. ما می‌دانیم، گفته‌ایم و می‌گوئیم که اشتباه خطرناک جمهوری اسلامی ایران آن است که عاملین جنایات اخیر و به‌ویژه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را با گروه‌های چپ‌رو نادان مربوط کند. باید حساب گروه‌های کج‌بین و کج‌روش را از سلطنت‌طلبان و شبکه‌های سازمان‌یافته ضدانقلاب و تروریست، جدا کنیم. باید باز هم این گروه‌ها را به سوی انقلاب فرا خوانیم و در عین حال و با تمام قوا در راه سرکوب و تلاشی دستجات ضدانقلابی پیکار نمائیم.

با این همه شایان تذکر است که مسئولیت اصلی فجایعی که رخ می‌دهد و اغتشاشاتی که در ذهن مردم ایجاد می‌شود، برعهده سیاست غلط و اشتباهات فاحش رهبران فرصت‌طلب گروه‌هایی است که خود را در برابر این جمهوری و در برابر امام خمینی قرار داده‌اند. رهبران این گروه‌ها هستند که با "مرگ بر بهشتی" گفتن‌ها، با "مرگ بر حزب جمهوری" گفتن‌ها ذهن مردم

بقیه در صفحه ۱۲

به‌ویژه پیگیرترین آنها در اوضاع بحرانی کنونی خود را نشان می‌دهد.

* نیروهای انقلابی هنوز در پراکندگی و ضعف و فقدان پایه‌توده‌ای نیرومند بسر می‌برند.

* اختناق و سرکوب سراسری حزب و یورش همه جانبه پاسداران سرمایه به حقوق دمکراتیک توده‌ها و آزادی‌های سیاسی ابعادی گسترده یافته است.

* آنگونه که از شواهد امر پیداست، این سیاست متمرکز درجهت سرکوب توده‌ها مورد تأیید امپریالیسم آمریکا و سران مزدور ارتش نیز قرار دارد.

* امروز همه نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای انقلابی و لیبرالهای ضدانقلابی شعار "مرگ بر حزب جمهوری" را می‌پذیرند...

* شعار سرنگونی حاکمیت در دستور قرار گرفته است.

(این نقل‌قول‌ها از کاراقلیت شماره‌های ۱۱۴ و ۱۱۵ انتخاب شده است.)

این حرفهای مغشوش سردرگم به چه معناست؟ اینها واقعا چه می‌گویند؟ آیا این واقعا توده‌ها هستند که "به عرصه مبارزه آشکار با رژیم روی می‌آورند" یا طلافروش‌های بازار؟ یا خسرو خان قشقای؟ یا دار و دسته جبهه‌ملی و نهضت آزادی و دفتر هماهنگی؟ آیا این آیت‌الله‌قمی‌ها و سرعتمداری‌ها و همطرازان ایشان هستند که به "عرصه مبارزه آشکار با این رژیم روی می‌آورند"؟ یا خیل عظیم یابرهنگان و کوخ - نشینان؟ آیا امپریالیسم ددمتش آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است که مدت‌هاست به مبارزه آشکار با "این رژیم" روی آورده‌اند یا توده‌های زحمتکش خلق؟ آیا این یک خیزش ضدانقلابی است که در دو ساله گذشته مدام علیه این جمهوری توطئه کرده است یا یک خیزش انقلابی؟!

شما وقایع اخیر را "یورش همه‌جانبه پاسداران سرمایه به حقوق دمکراتیک توده‌ها" نامیده‌اید. چه می‌گوئید؟ چگونه می‌توانید این حقیقت را پنهان کنید آنچه که شما به آن "خیزش انقلابی توده‌ها" می‌گوئید، در واقع تلاش مذبح‌خانه‌ای بوده‌است از جانب محافل سرمایه‌داران و ملاکین برای حفظ بنی‌صدر و موقعیت حامیان وی در حکومت. (کسی که روزنامه ابرور آشکارا سقوط وی را سقوط آخرین نقطه امید دنیای آزاد در ایران نامیده است) به انضمام ناشی‌گری بسیار زیانبار و خطرناک رهبران درین‌بست فرارگرفته مجاهدین خلق که به‌هوای ماهی‌گرفتن از آبی که آن را گل-آلود پنداشته‌اند، خود را همدست مهدی بازرگان‌ها کرده‌اند. شما از یک طرف می‌گوئید "خیزش انقلابی توده‌ها نمودار می‌گردد" از طرف دیگر می‌گوئید نیروهای انقلابی پایه توده‌ای ندارند! لیبرالها هم آلترناتیو قدرت نیستند، شعار سرنگونی حاکمیت را هم در دستور قرار داده‌اید. شما می‌خواهید این حکومت را بیاندازید اما خود شما اذعان دارید که جای آن را نه نیروهای به اصطلاح "انقلابی" می‌گیرند و نه لیبرالها چون هیچکدام آلترناتیو قدرت نیستند. می‌ماند سرمایه‌داران بزرگ، ملاکین عمده، بازماندگان رژیم سابق و (برخلاف نظر شما) متحدین نزدیک آنها، لیبرالها! آیا شما واقعا می‌خواهید از این قماش روی کسار بیایند؟ حقیقت را بخواهید گوئی اصلا برای شما تفاوتی نمی‌کند که چه کسی برود و چه کسی بیاید!

عناصر انقلابی صادقی نیست که با اینگونه موضع‌گیری‌های متناقض جریان‌هایی چون اقلیت مواجه شود و بتواند یک خط سیاسی فعال را در میان مردم تبلیغ و ترویج نماید. تمام تحلیل‌ها و تاکتیک‌های اقلیت طی یکساله اخیر فقط به درد ترک صحنه مبارزه و به حال خود گذاشتن وقایع می‌خورده است. مروری کنید بر مواضع و رهنمودهای اقلیت در برخورد با کودتای نوژه، جنگ تحمیلی، مناسبات با مائوئیست‌ها، کشمکش جناح بنی‌صدر با امام خمینی و دیگر اساسی‌ترین مسائلی که در یکساله اخیر در جامعه ما روی داده‌است. و آنگاه پیش وجدان خود قضاوت کنید که این تاکتیک‌ها و این رهنمودها چگونه در بهترین حالت به "لختی و سستی" هواداران و در غیر این صورت لامحاله به جانبداری از بنی‌صدر و جناح وی منجر خواهد شد.

اما خطاست که تمام مسئله را به تناقض و ابهام در سیاست اقلیت مربوط بدانیم دو نکته اساسی در اینجا می‌تواند در کنار سایر علل لختی و سستی هواداران اقلیت و دیگر چپ‌روها قرار گیرد اول آنکه اقلیت در مقطع انشعاب کوشید به‌گونه‌ای موضع‌گیری کند که تمام مخالفین رهبری سازمان را در یک سازمان متشکل کند. انگیزه‌های همه آنان در مخالفت با کمیته مرکزی سازمان یکسان نبود لذا آنها قادر نبودند با همان عزمی که علیه سازمان تبلیغ می‌کردند، علیه ضدانقلاب علیه لیبرالها. علیه صدام و دیگر دشمنان خلق دست به‌کار شوند. دوم اینکه اساسا تبلیغ و ترویج اقلیت تنها نیروهای شدیداً ضد جمهوری اسلامی را قادر است به هواداری خود جلب نماید. تصور رهبری اقلیت از طرز برخورد هواداران جدید خود با امر مبارزه، تصویری ذهنی است. آنها ناراضی‌ترین ناراضیان این جمهوری به شمار می‌روند. این نیروها، نیروهای سرخورده از مبارزه و مایوس و نومیدند آنها به حقانیت انقلاب باور ندارند لذا نمی‌توانند و نمی‌خواهند آنگونه که اقلیت فکر می‌کند در راه آن از خود مایه بگذارند. آنها نیز درست مثل هزاران بورژوازی ادوکلن‌زده که برای مجاهدین فقط کف می‌زنند، اهل مبارزه نیستند. آقای بنی‌صدر نیز به غلط از روی تیراژ روزنامه‌اش می‌پنداشت چنانچه فرمان دهد "توده‌های خلق" برایش قیام خواهند کرد غافل از آنکه بورژوازی اساسا اهل قیام نیست.

گیج‌سری در تحلیل موقعیت کنونی

در رابطه با مبارزه حاد و تند و توفنده‌ای که منجر به زیرکشیدن بنی‌صدر از ریاست جمهوری و تحدید مواضع بورژوازی در حکومت شد، نیز رهبران اقلیت تناقض‌گوئی و آشفته‌فکری را به سر حد پاره‌گوئی کشانیدند. به گوشه‌هایی از آنچه که اقلیت در چهره وقایع اخیر دیده است، نظر اندازیم:

* و توده‌ها بیش از پیش به عرصه مبارزه آشکار با رژیم روی می‌آورند. چشم‌اندازهایی که انتظارش در خیزش انقلابی توده‌ها می‌رفت، اکنون نمودار می‌گردد...

* لیبرالها دیگر با توجه به اوضاع سیاسی موجود و تجربیات توده‌ها، نمی‌توانند آلترناتیو قدرت باشند. اینجاست که نقش نیروهای انقلابی

اقلیت : درسالگشت ●●●

بقیه از صفحه ۱۱

را در شناخت مسبب بمبگذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری، در شناخت عمال مزدور امپریالیسم امریکا مخدوش و منحرف می سازند. وقایع روزهای اخیر نشان می دهد که چگونه هر کس که شعار سرنگونی حاکمیت را در دستور بداند، چه خواهد، و چه نخواهد، با هر نیتی که باشد، با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق ما، با مزدوران و عوامل خود فروخته آن، با شبکه های بمبگذار و تروریست، همزبانی و همدلی می کند. بار اصلی عواقبی که این شعارهای منحرف برای سرنوشت این سازمان ها و برای هواداران و اعضای صادق آنها به وجود می آورد برعهده رهبران فرصت طلب و کج اندیش این گروه هاست.

رهبران اقلیت مدعی شده اند که گویا قصد دارند بعد از سرنگونی این حاکمیت شوراهای انقلابی را تشکیل دهند و مجلس موسسان را فراخوانند. آقایان اقلیتی معتقدند این مجلس موسسان یک نهاد بورژوازی و بورژوازی هم با آن موافق است. آنها گفته اند تفاوت شعار آنها با شعار بورژوازی در این است که اینها حکومت را به دست شوراهای انقلابی خواهند سپرد در حالیکه بورژوازی در این مورد از آنها جدا می شود. چه چیز از این وحشتناک تر که گروهی که مدعی انقلابیگری است، خود صریحا اعتراف می کند که در سرنگون کردن این حکومت با امپریالیسم و بورژوازی شریک است و تنها در شعارهای بعدی است که با آنها به اختلاف می رسد؟!

پرسیدنی است که در این اتحاد ضدانقلابی، بورژوازی و امپریالیسم رهبری شما را پذیرفته اند یا شما رهبری آنها را؟! آیا ضروری نیست به مردم توضیح دهید چگونه امپریالیست ها و تمام ضدانقلابیون را حول شعار "مرگ بر..." متحد کرده اید؟ شما می گوئید که شما و یارانتان تنها در سرنگون کردن این حکومت با بنی صدر، لیبرالها، سلطنت طلبان، مرتجعین منطقه و امپریالیست ها همسو هستید. (راه کارگر هم رسماً همین را می گوید.) شما می گوئید بعد از انداختن این حکومت راه شما از دیگران سوا می شود زیرا شما می خواهید شوراهای انقلابی تشکیل دهید و آنان نمی خواهند؟ واقعا که فاجعه ای از این غم انگیزتر نیست. این "شوراهای انقلابی" در شعار شما به واقع چه تفاوتی با آن "پستانک لاستیکی" دارد که بورژوازی در دهان شما و امثال شما گذاشته است و شما هم ساده دلانده آن را به خورد پیروان ساده دل خود داده اید. خدا رحم کند به حال کسانی که از اقدامات ضدانقلابی و ضد مردمی باندهای بمب انداز، خوانین مسلح فارس و خراسان و دیگر جاها و قاسملوهای جنایتکار گرفته تا فجایع رژیم صدام و دیگر مرتجعین دست نشانده امریکا را همگی "خیزش انقلابی توده ها" می نامند و فکر می کنند این احتمال هم وجود دارد که از این میان برایشان "شوراهای انقلابی" بیرون بیاید!

هیچ عنصر سیاسی تا امروز یاوه گوئی را تا بدین درجه ساده لوحانه در خدمت اهداف عاجل امپریالیسم قرار نداده است. آیا شما واقعا باورتان شده است که مردم نمی خواهند و حکومت هم نمی تواند؟ آیا واقعا فکر می کنید توده ها آماده اند تمام قدرت را به دست شوراهای انقلابی خلق آنها تحت رهبری امثال شما بیارند؟! از خانه هایتان بیرون بیایید، چشم بکشاید تا ببینید که قبل از توده ها این

بورژوازی و بزرگ مالکین عمده هستند که این حکومت را نمی خواهند. و البته توده ها نه سرمایه داران را می خواهند و نه مالکین را و حکومت هم برخلاف حساب های شما چنانکه دیدیم آنطور نیست که نتواند. آیا حقیقت این نیست که شما برای اینکه هر همزبانی شعارتان را با خواسته های آشکار امپریالیسم و عمالش پنهان سازید، شعار شوراهای انقلابی را هم به دم "مرگ بر حزب جمهوری" بسته اید؟ تو گوئی رهبران "اقلیت" در این شعار و در این سیاست بی تدبیری، سفاکت سیاسی و عدم احساس مسئولیت سیاسی را با هم درآمیخته و در طبق اخلاص بورژوازی و ضدانقلاب نهاده اند. چوبی که امروز واقعیت بر کف پای اینان می زند برآستی از همان درخت کجی است که خود کاشته اند. اقلیت" به سرنوشتی اسفبارتر از اشرف دهقانی گرفتار آمده است!

پندهای سابق را تکرار می کنیم

وقتی یکسال پیش در مقطع انشعاب، ما روی عمق اختلاف نظر میان "اقلیت" و "اکثریت" مشخصا انگشت نهادیم، گفتیم که علیرغم تمام زیان هایی که انشعاب بر جنبش انقلابی خلق وارد می سازد، متأسفانه "اقلیت" دیگر عملاً راه جداگانه ای در پیش گرفته و به سوئی می رود که لحظه به لحظه با مارکسیسم و با تمام آموزش های انقلابی آن بیگانه تر و بیگانه تر می شود. ما در آن زمان اصرار بسیار داشتیم در تلاش بسیار کردیم که آنها را به سوی تعمق در دیدگاه های اصولی و پایه های فکری و عقیدتی شان فراخوانیم. ما به آنها گفتیم که عدم تشخیص درست تاکتیک ها و شعارهای روزمره، پرت افتادن از مسیر عمومی انقلاب، انزواجویی و گرایش به زیرزمینی شدن در شما ریشه های عمیق ایدئولوژیک دارد. ما سعی کردیم بحث را با شما بر روی پایه ها و اساس فکری و عقیدتی سازمان بکنانیم و خطاهای فاحش خود را در عرصه تئوریک حل کنیم. اما شما با تمام قدرت امتناع کردید و مدام تأکید کردید، بحث کردن روی اصول عام مارکسیسم - لنینیسم بخاطر پذیرش آن بحث بیهوده ای است. شما بدون درک صحیح از رابطه توده و پیشرو، بدون فهم ارتباط میان اشکال خودانگیخته توده ای و تاکتیک های مبارزاتی، بدون درک نقش قهر در مبارزه طبقاتی و چگونگی و مکانیسم به کارگیری آن خود را شایسته ترین علمای مارکسیست پنداشتید و گوش به توصیه های ما ننهادید. در ماه های بعد نیز ما تماماً کوشیدیم که تا آنجا که می توانیم نشان دهیم که امروز هیچ سازمان مارکسیست نمی تواند یک مشی اصولی در پیش گیرد بی آنکه به شناخت و تحلیل درستی از اوضاع کنونی جهان، از مناسبات دوار دوگاه، از سمت عمومی تحول اوضاع جهان دست یافته باشد. بدون فهم تضاد اساسی و مضمون دوران کنونی، بدون داشتن موضع صریح و روشن نسبت به خط مشی عمومی جنبش کمونیستی و کارگری جهان، بدون تأیید و تصدیق واقعیت سوسیالیسم، نقش و اهمیت تاریخی تکامل آن در سرنوشت دیگر خلقها، بدون داشتن یک معادله دقیق تناسب قوای بین المللی، بطور قطع اتخاذ تاکتیک درست در برخورد با این حکومت و شرکت در مبارزه طبقاتی از یک موضع اصولی و منطقی ناممکن است.

ما در آن زمان به اقلیت پیشنهاد کردیم که بکشند دست از پراگماتیسمی که با وجودشان عجین بود، بردارند و حفظ اصولیت و اصالت ایدئولوژیک را بر همه چیز مقدم شمارند. آنها در آن زمان به این نکته اساسی توجهی نکردند و همچنان به راهی رفتند که نمی بایست می رفتند. امروز ما هنوز هم مایلیم به عناصر سالم و صادق این جریان بگوئیم که این فکر بسیار خطا و بسیار زیانبار است هرگاه خیال کنیم می توان بدون یک تصفیه حساب جدی با مشی چریکی و درک عمیق انحرافات آن و همچنین بدون فهم عمیق مضمون عصر ما، نیروهای محرکه آن، بدون درک نقش سوسیالیسم در انقلابات ملی - دمکراتیک و اهمیت دفاع از سوسیالیسم واقعا موجود، بدون احراز هویت قطعی در میان احزاب کمونیستی و کارگری جهان، بدون درک وظایف انترناسیونالیستی خود و اهمیت انترناسیونالیسم پرولتری، قادر خواهیم بود نقش مثبت و سازنده ای در مبارزه طبقاتی به سود پرولتاریا بر عهده گیریم. خطای تئوریک فاحش اقلیت آن است که فکر می کند اینها که ما می گوئیم، مشتی مسائل تجریدی است که ربطی به وظایف عاجل وی ندارد. حال آنکه اگر اینگونه فکر کنیم قبل از همه ضروری است که سه جزء و سه منبع مارکسیسم را رها کنیم و یا زائد تشخیص دهیم. خطای فاحش عناصر صادق اقلیت در آن است که در سطح مانده اند. ما بازهم آنها را به تعمق در مسائل ایدئولوژیک، به تصفیه حساب قاطع با انحرافات اساسی مائوئیستی، به پاکسازی برداشت های ناهنجار از مواضع حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر ملل سوسیالیست، به احیای اعتدالشان نسبت به احزاب کمونیست و کارگری و در رأس همه حزب کمونیست اتحاد شوروی، به چشم گشودن به آنچه واقعا در جهان و ایران می گذرد، فرامی خوانیم. اقلیت در پیکار کنونی طبقات از نظر نیروئی که به دنبال خود کشیده است، جای بسیار ناچیزی را به خود اختصاص می دهد. اما تأثیرات مخرب سیاست های کج و کوله و اعمال ناشیانه و بسیار زیانبار رهبران آن بیش از کمیت نیروهایش به انقلاب و مدافعان آن آسیب می رساند. بدین لحاظ است که ما بار دیگر این گروه را به سوی ۱- پذیرش اصول شناخته شده مارکسیسم - لنینیسم و پاک کردن خود از سموم گذشته ۲- بازگشت به دامان جنبش کمونیستی جهانی و دفاع از اردوگاه سوسیالیسم و درک واقعیت های جهان ۳- کنار نهادن پیشداوری ها و محاسبات کاملاً ذهنی و غلط پیرامون واقعیات جامعه و جنبش فرا می خوانیم. ما شما را دعوت می کنیم که سر از پنجره زیرزمین هایی که بدانها پناه برده اید، بدر آورید و تنها نیم نگاهی به خیابان ها بیاندازید.

... و سرانجام

آیا می توان امیدوار بود که این گروه نیز بر مشکلات و موانعی که برای پیوستن به جنبه انقلاب بر سر راه دارد، فائق آید؟ ما هنوز قطعاً باید امیدوار باشیم که عکس این رخ ندهد اما برای اینکه ارزیابی دقیق تری از آینده این جریان ترسیم کنیم، هنوز باید تحولات بیشتری را در دیدگاه ها و قضاوت وی شاهد باشیم. به هر تقدیر با شناخت نسبتاً روشنی که از ترکیب و سمت گیری طبقاتی رهبران اقلیت در دست داریم ساده انگارانه است هرگاه تصور کنیم که این جریان قادر خواهد شد فی الجمله بسرعت خود را از قید دیوارهایی که بین خود و اردوی انقلاب کشیده است، رها سازد.

به دنبال بحث مربوط به پاسخ به سؤال نبوی ، سخنگوی دولت در مورد قرارداد تالبوت ، اصل قرارداد را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار دادیم و بیش از پیش به زوایای اسارت بار آن واقف شدیم . در زیر بطور خلاصه به مهم ترین جنبه های آن می پردازیم و بار دیگر قاطعانه خواستار لغو هرگونه مذاکره با این انحصار غارتگر چند ملیتی می شویم . هر مورد مهم از قرارداد مورد بحث را که استناد کرده ایم ، راه حلی نیز در این خصوص که یک قرارداد باید چه مشخصاتی داشته باشد ، ارائه داده ایم . این قرارداد که برای فروش قطعات منفصله هیلمن (پیکان) ، از اول ژانویه ۱۹۸۲ " حداقل برای ۵ سال " منعقد می گردد ، از ۲۵ پاراگراف و بندهای مختلف تشکیل شده است . برطبق این قرارداد که عملاً ادامه قرارداد دهساله قبلی است ، امتیاز ساخت و مونتاژ اتومبیل سواری هیلمن به ایران ناسیونال داده شده است . در قرارداد ، برخی جنبه های ظاهر فریب گنجانده شده و از آن جمله در چند قسمت به توسعه ساخت داخلی " تا مرز صد درصد " اشاره شده است و این یکی از فریب کارترین جنبه های انحرافی قرارداد است و برای شخص نا آشنا می تواند این توهم را به بار آورد که گویا ایران ناسیونال را تا مرز صد درصد خودکفا سازد و همانطور که خواهیم دید این فریبی بیش نیست . در قرارداد هیچ امکانی توسعه ساخت داخلی پیش بینی نشده ، چنانچه ظرف مدت قرارداد ، هر ساله قطعات یکصد هزار دستگاه باید از خارج وارد شود . قرارداد بالکل ، همچون دیگر قراردادهای امپریالیستی محدودیت های بسیاری را در جهت توسعه درصد تولید داخلی ایجاد کرده است . اول آنکه ضمن اشاره به تولید تا مرز صد درصد ، بلافاصله " قطعاتی که تالبوت منافع قبلی در آنها داشته باشد " از قطعات قابل ساخت در ایران مستثنی شده است و این خود

قرارداد تالبوت مغایر اهداف انقلاب است

و نباید تصویب شود

ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به خواندن دقیق قرارداد تالبوت فرا می خوانیم .

البته اجازه داده شده که از " تولید کنندگان تالبوت " یعنی شرکت های تابعه تالبوت نیز " با اجازه کتبی تالبوت می توانست خریداری نماید ! با توجه به مکانیسم های قیمت گذاری داخلی شرکت های چند ملیتی ، از همین طریق است که خریدار تکنولوژی را مجبور به خرید قطعات و موادی می کند که قیمت آن از بازار معاملات آزاد به مراتب گران تر است و از این طریق نیز شرایط یک جانبه خود را تحمیل می نمایند . در قراردادی که با شرکت خارجی منعقد می کنیم ، حتی الامکان محدودیتی از بابت خرید قطعات و مواد از یک فروشنده و منبع معین نباید پیش بینی شود و شرکت ایران باید مجاز باشد از هر منبعی که خود صلاح می بیند خریداری کند و در مواردی که ناچارا باید از یک منبع خریداری شود ، باید بر اساس قیمت های رقابتی معاملات آزاد و نه قیمت های انتقالی درون شرکتی ، قطعات و مواد مورد نیاز خود را خریداری نماید .

قرارداد مورد بحث در مورد میزان سفارش قطعات نیز محدودیت قائل شده و ضمن آنکه ظاهراً طی بندهای متعددی نوعی انعطاف را در میزان سفارشات ماه های مختلف سال پیش بینی نمود ، اما در بند دیگری خیال طرف قرارداد را راحت کرده و اعلام نموده که در هر حال سفارشات لازم نباید از یکصد هزار دستگاه در سال کمتر باشد و از همین راه است که ایران ناسیونال متعهد شده سالانه یکصد هزار دستگاه (تا ۵ سال) خریداری کند . حال اگر این بند را با بند دیگری از قرارداد که حداقل زمان لازم برای فسخ قرارداد را تعیین کرده مقایسه کنیم ، عملاً " خواهیم دید که به محض امضاء قرارداد در مقابل پرداخت هزینه های مربوط به حداقل ۲۵۰ هزار دستگاه متعهد شده ایم . قرارداد به هیچ وجه نباید محدودیتی از نظر حداقل میزان سفارش داشته باشد و به علاوه میزان بقیه در صفحه ۱۴

دیگر طرح می گردد و گفته می شود " البته بجز قطعاتی که تولید آن ها انحصاراً در اختیار تولید کنندگان تالبوت می باشد " . (بند ج پارگراف ۷) . از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق این قطعات در اختیار انحصاری تالبوت و شرکت های تابعه آن است ، این استثناء عملاً " حکم فائده را می یابد و همین امر امکان جایگزینی قطعات داخلی را غیر ممکن می سازد . حال این بند را با پارگراف ۳ همین قرارداد که مدعی شده بود ساخت داخلی را " تا مرز صد درصد " امکان خواهد داد مقایسه می کنیم و از این نظر نیز پوچ بودن این ادعا که یک شرکت امپریالیستی به ما کمک کند که محصولی را " تا صد درصد " در ایران تولید کنیم و عملاً وابستگی خود را با آن قطع نمائیم ، به خوبی نمایان می سازد . در قراردادی که با یک شرکت خارجی منعقد می کنیم ، شخصاً " باید قید شود ، هر زمان که به تشخیص شرکت ایرانی ، امکان تولید یک قطعه در ایران میسر بود ، این قطعه بلافاصله از لیست قطعات منفصله وارداتی باید حذف گردد و شرکت طرف قرارداد ناچار از تبعیت از آن است . البته برای آنکه بهانه های تحت عنوان ضرورت برنامه ریزی تولید در شرکت خارجی طرف قرارداد طرح نشود ، می توان یک فاصله زمانی مثلاً حداکثر سه ماهه را برای اعلام حذف یک یا چند قطعه در نظر گرفت . قرارداد مورد بحث ، ایران ناسیونال را ملزم ساخته " کلیه لوازم و قطعات ساخت " را " مستقیماً " از خود تالبوت خریداری نماید .

نمی تواند طرف قرارداد ما فرارگیرد . البته جالب است که ظاهراً " تالبوت به ایران ناسیونال اجازه داده که " ساخت یا مونتاژ قطعات مورد نیاز اتومبیل پیکان را به دیگر شرکت های ایرانی واگذار کند ، " اما در همین قرارداد از ایران ناسیونال " تعهد " گرفته می شود که " کلیه ماشین ها و قطعات را طبق استاندارد و کیفیت تعیین شده و دستورالعمل های تعیین شده به وسیله تالبوت بسازد و مونتاژ نماید " و پس از آنکه " این قطعات از جانب مهندسين تالبوت آزمایش شده و کیفیت و استاندارد آن ها تأیید گردد ، از سفارشات محمولات " سی . کی . دی (قطعات - منفصله) حذف گردد . " معمولاً با همین بهانه است که با ساخت قطعات در داخل کشور های زیر سلطه مخالفت می شود . (همچنانکه در مورد ساخت کمک فنر در ایران برای بنز خاور و مورد قبول واقع نشدن آن از سوی دیپلر بنز آلمان دیدیم و مشاهده کردیم که حتی در آخر کمک فنر خود بنز را که مارکش را در ایران پاک کرده بودند قبول نکردند) . باین ترتیب تحت این عنوان که کالای ساخته شده از نظر مرغوبیت در حد استاندارد مورد قبول تالبوت نیست با ساخت آن در ایران و حذف آن از محموله سی . کی . دی مخالفت می شود . تازه اگر قطعه ای این مراحل را توانست با موفقیت پشت سر بگذارد ، برطبق قرارداد مورد بحث ، تالبوت حق دارد تا " شش ماه " این قطعه را از محموله وارداتی حذف نماید . اما در همین مورد هم یک استثناء عجیب و غریب

در صد بزرگی از این " قطعات " را شامل می شود . دیگر آنکه تالبوت از ایران ناسیونال تعهد گرفته که در طول مدت این ۵ سال حق ندارد با هیچ یک از دیگر شرکت های عرضه کننده تکنولوژی وارد مذاکره شود و قراردادی در این زمینه منعقد نماید . بر طبق پاراگراف ۵ قرارداد ، ایران ناسیونال خواهد توانست از شرکت دیگری " اقدام به خرید و فروش مستقیم و غیر مستقیم تولیدات ساخته شده و یا مونتاژ شده وسائط نقلیه ای که با قرارداد موجود مغایرت دارد " بنماید و باین ترتیب چاره ای ندارد ، جز از تالبوت و شرکت های تابع آن از منبع دیگری خریداری نکند و از همین طریق نخواهد توانست از شرکت دیگری برای توسعه تولید داخلی کمک بگیرد ، چرا که با این قرارداد " مغایرت " خواهد داشت . این یکی از ویژگی های بارز وابستگی و تشدید آن از طریق قراردادهای تکنولوژی است ، یعنی سلب صلاحیت و اختیار از شرکت ایران در مورد اینکه چه تولید کند ، به چه میزان تولید کند و از کجا کمک بگیرد . ایران ناسیونال به عنوان یک شرکت دولتی مستقل ایرانی باید حق داشته باشد که بر طبق برنامه ای که خود تنظیم می کند بدون هیچ محدودیتی ، در مورد خرید قطعات و یا عقد قرارداد برای گرفتن کمک های فنی جهت افزایش درصد تولید داخلی تصمیم بگیرد و این یکی از شرایط عقد قرارداد با شرکت های خارجی باید باشد و شرکتی که آنرا نپذیرد ، یعنی صلاحیت مستقل بودن ایران را بخواهد سلب کند ،

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

قرارداد تالبوت...

بقیه از صفحه ۱۳

سفارش در هر سال با توجه به برنامه افزایش تولید داخلی باید کاهش یابد و در پایان قراردادهای به صفر برسد.

علاوه بر ارسال قطعات منفصله، تالبوت ظاهراً تعهداتی را در مورد واگذاری اطلاعات مربوط به دانش و کمک‌های فنی برای توسعه تولید داخلی پذیرفته است، ولی این تعهدات آنچنان گنگ و مبهم تدوین شده‌اند که قطعاً می‌توان اطمینان داشت از طریق این تعهدات "دانش و کمک‌های فنی" به‌ایران ناسیونال انتقال نخواهد یافت. تالبوت به طور مبهم تعهد می‌کند که "خدمات مهندسی و افراد متخصص را برای نظارت و سرپرستی ایجاد قسمت‌های لازم برای تولید "تأمین نماید و "آموزش افراد فنی و مهندسی ایران ناسیونال" را در مقابل تعهد پرداخت "کلیه مخارج و هزینه‌هایی" که تالبوت در این مورد متحمل می‌شود، ارائه نماید. قرارداد نه حیثه و عمق این خدمات فنی و آموزش‌های تخصصی را که بسیار برای شرکت ایرانی ضروری است مشخص می‌کند و نه نحوه محاسبه "کلید هزینه‌های" مربوطه را. علاوه بر این استثنای دیگری برای انتقال اطلاعات فاش می‌شود. ضمن آنکه در پارگراف ۸ تعهد می‌کند که "کلیه اطلاعات مربوط به چگونگی ساخت" را در اختیار ایران ناسیونال قرار دهد، بلافاصله استثناء فائل شده و می‌گوید "بجز اطلاعات و جزئیاتی که تولید کنندگان تالبوت مایل به افشاء آنها نباشند!!" واقعا که تعهد جالبی است، از یک سو متعهد می‌شود که کلیه اطلاعات لازم را در اختیار گذارد و از سوی دیگر مجاز است هر اطلاعاتی را که دلش نخواست "فاش" نکند!

در قراردادی که با شرکت خارجی منعقد می‌کنیم، در مورد انتقال اطلاعات مربوط به تکنولوژی تولید و ارائه

خدمات‌های فنی و آموزش متخصصین ایرانی، قرارداد باید مشخصاً عرضه‌کننده تکنولوژی را متعهد نماید که طی یک برنامه مشخص زمانی تا پایان مدت قرارداد، کلیه اطلاعات و دانش و مهارت‌های فنی برای تولید مستقل و خود کفارا به تدریج به خریدار تکنولوژی در این مورد، یعنی ایران ناسیونال انتقال دهد، و در غیر این صورت، همچون دیگر موارد نقض قرارداد، خسارت‌های لازم را بپردازد.

اما در مورد پرداخت‌ها.. پرداخت هزینه‌ها مربوط به قطعات اتومبیل به پوند انگلستان، از طریق گشایش اعتبار غیر قابل برگشت، بر مبنای قیمت‌های خوب (تحویل در بنادر انگلیس) دسامبر ۱۹۸۱ محاسبه خواهد شد. و رسماً خواسته شده که براساس نرخ تورم به استناد جداول موسسات مربوطه در انگلستان هر ۶ ماه یک‌بار مورد تجدید نظر قرار گیرد و اگر از ده درصد تجاوز نمود، در همان حد تعدیل گردد. باین ترتیب بطور رسمی، تورم فزاینده اقتصادی بحران زده امپریالیسم فرتوت به صنعت اتومبیل ایران منتقل می‌گردد. بعلاوه در مورد مبنای قیمت گذاری و اطمینان از صحت آن نیز هیچ موردی پیش‌بینی نشده است.

در مورد تعیین قیمت قطعات و مواد خریداری شده باید یا مستقیماً از طریق مناقصه‌های بین‌المللی و یا بطور غیرمستقیم از طریق جمع‌آوری و بررسی قیمت قطعات و کلاهای مشابه، مناسب‌ترین قیمت تعیین شود.

در مورد حق‌الامتیاز، قرارداد به شکل مبهمی اشاره کرده که "حق‌الامتیاز ساخت اتومبیل پیکان به فرم جاری مورد بررسی و تجدید نظر قرار خواهد گرفت" و به تالبوت اجازه داده که در مقابل ساخت انواع دیگر اتومبیل که لیسانس آن به ایران ناسیونال داده شده، مبلغی را بابت حق‌الامتیاز

از ایران ناسیونال دریافت دارد. این برخورد مبهم و دوپهلوی، براحتمی مورد سوءاستفاده تالبوت قرار خواهد گرفت. اولاً اینکه در حق‌الامتیاز جاری "تجدید نظر" خواهد شد، یعنی چه؟ و یا اینکه برای حق‌الامتیازهای جدید نیز "مبلغی" دریافت خواهد گردید، منظور چه مبلغی است؟ در عقد قراردادهای حق‌الامتیازها باید لغو گردند و اگر در مواردی به‌خاطر مواجه بودن با بازار انحصاری ناچار از پذیرش نوعی حق‌الامتیاز باشیم باید شرایط مشخص آن دقیقاً معین شود و در هر حال در یک محدوده زمانی معین لغو گردد.

در مورد پرداخت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های کارشناسی مربوطه به "ارائه اطلاعات و کمک‌های فنی که در بالا به آن اشاره شد، بی‌آنکه هیچ محدوددهای تعیین شود و مثلاً نرخ کارشناس را برای رده‌های مختلف معین سازد و یا تعداد و انواع این کارشناسان را تعیین نماید، از ایران ناسیونال تعهد گرفته می‌شود که این هزینه‌ها را که طبق اظهار صریح قرارداد "هیچ‌گونه محدودیتی" نخواهد داشت، حداکثر ظرف ۳۰ روز پس از دریافت صورت‌حساب مربوطه به تالبوت بپردازد. حتی بسیاری قراردادهای زمان رژیم سرنگون شده بخود زحمت می‌دادند ظاهر کار را حفظ کرده و هزینه‌های کارشناسی و انواع حق‌الزحمه‌ها را مشخصاً پیش‌بینی نمایند، اما تالبوت نیازی به این ظاهر سازی ندیده است.

در پارگراف دیگری از قرارداد، ایران ناسیونال تعهد می‌کند که برای "حفاظت از انحصار تالبوت" نهایت کوشش خود را بنماید و "نهایت جدیت خود را اعمال نماید" که هیچ‌گونه تخلفی در کالاهایی که در انحصار تالبوت است... انجام نشود. بعلاوه تصریح می‌شود که جواز ساخت و سایر اطلاعات مورد استفاده ایران ناسیونال در مالکیت تالبوت است و

ایران ناسیونال "صریحاً" موافقت می‌کند که بدون اجازه تالبوت هیچ دخل و تصرفی در آن به عمل نیاورد. جنبه دیگری از این قرارداد که عملاً حاکمیت ایران ناسیونال را نسبت به حقوق خود سلب می‌کند، این است که تالبوت از ایران ناسیونال "تعهد گرفته که" در هر زمان معقول و ضروری، نمایندگان تالبوت می‌توانند برای بررسی و بازدید از امکانات ایران ناسیونال (تا جایی که تحت پوشش این قرارداد است) به اطلاعات و طرح‌های ایران ناسیونال و... سیستم انبارداری آن... دسترسی داشته باشند" به این ترتیب همچون گذشته، ایران ناسیونال به‌عنوان یک شرکت وابسته به انحصار امپریالیستی تالبوت و نه یک شرکت ایرانی وابسته به دولت جمهوری اسلامی ایران حق حاکمیت بر اطلاعات و اسناد و طرح‌های محرمانه و انبارهای خود را ندارد و هر زمان که انحصارگر امپریالیست اراده کرد، حق رسیدگی به اسناد ایران - ناسیونال را خواهد داشت.

در قراردادی که با یک شرکت خارجی منعقد می‌کنیم، به‌هیچ وجه نباید حقی برای دسترسی آن‌ها به اسناد و مدارک و اسرار شرکت ایرانی قائل شویم و تنها مراجع دولت ایران حق چنین بررسی و بازرسی را باید دارا باشند.

از دیگر نکات قابل توجه قرارداد که مشخصه تمامی قراردادهای وابستگی امپریالیستی است، این است که اگر ایران ناسیونال در این رابطه به هرگونه اختراعی دست یافت، بر طبق بند ف پارگراف ۱۳، باید فوراً "تالبوت را در جریان" کلیه اطلاعات و طرح‌های مربوطه "قرار دهد" و تالبوت اجازه دارد که "... اختراع و طرح ارائه شده را مورد استفاده قرار دهد" و در صورت درخواست تالبوت، ایران - ناسیونال باید جهت محافظت از این اطلاعات و جلوگیری از دسترسی دیگران به آن اطلاعات، اقدامات

لازم را به عمل آورد. باین ترتیب با وقاحت آشکار، شرکت امپریالیستی تالبوت تمامی حقوق ممکنه را از شرکت ایران سلب می‌کند. شرکت غارتگر تالبوت از سلب کلیه حقوق ایران - ناسیونال پا را فراتر می‌گذارد و عملاً حاکمیت دولت را نیز زیر پا می‌گذارد و مثلاً در مورد پرداخت‌ها، رسماً از پرداخت مالیات به دولت جمهوری اسلامی ایران خود را معاف می‌کند. بند ج پارگراف ۱۳، ایران ناسیونال را متعهد می‌سازد که "کلیه هزینه‌های فنی و تکنیکی و حق‌الامتیازها باید بدون کسر مالیات مربوط به دولت از طرف ایران - ناسیونال به تالبوت پرداخت گردد،"

از دیگر موارد آشکاری که با وقاحت حق حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران نقض شده حکمیت پیش‌بینی شده در این قرارداد است. بر طبق پارگراف ۲۰، "ضمانت اجرائی این قرارداد بایستی تحت احکام قانونی انگلستان بوده و کلیه اختلافات ناشی از آن و یا در ارتباط با قرارداد... بایستی تحت قضاوت دادگاه قضائی انگلستان و طبق قوانین موجود در زمان انعقاد مورد بررسی قرار گیرد" به عبارت دیگر امری که از هر جهت به کشور ایران مربوط می‌شود، نه قوانین ایران و نه دستگاه قضائی آن هیچ یک حق دخالت در آن را نداشته و قوانین کشور امپریالیستی مستقیماً بر آن حاکمیت می‌یابد. این بند خاطره دوران استعمار و حاکمیت مستقیم قدرت‌های استعماری را زنده می‌کند و عملاتیست نوعی کاپیتولاسیون است. امروزه حتی اکثریت قریب به اتفاق قراردادهای شرکت‌های چند ملیتی ظاهراً "قوانین کشورهای میزبان" را به اصطلاح "محترم" می‌شمرند و مثلاً حکمیت در مورد قراردادهای با توجه به قانون اطاق تجارت بین‌المللی (پاریس) و بر اساس قوانین کشور طرف قرارداد، تعیین می‌شود.

قرارداد مورد بحث دیگر جنبه‌های تحمیلی بسیاری

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

تلاش مذبوحانه...

و از هراقدامی که زمینها برای پیشبرد تاکتیک امپریالیسم فراهم می‌سازد قاطعانه بپرهیزند. ما از همه نیروهای ضد - امپریالیست و آگاه ایران می‌خواهیم که با توجه به شرایط حساس کنونی با صراحت و روشنی بر ضرورت حفظ آرامش و جلوگیری از هر گونه اقدام تحریک‌آمیز تأکید کنند و مواضع خود را در این زمینه اعلام نمایند. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز که وظیفه پاسداری و اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد باید با توجه کامل به حساسیت اوضاع و احوال و با توجه به هدف‌های شوم

بقیه از صفحه ۳

امپریالیسم آمریکا و متحدان آن، بر اجرای همه جانبه قانون و احترام به حقوق فردی و اجتماعی مردم تأکید کند و اوضاع و احوالی را پدید آورد که امپریالیسم نتواند هدف‌های شوم خود را عملی سازد. خوشبختانه سخنان امام خمینی، اطلاعاتیه هشیارانه وزارت کشور، و برخی از مسئولان مملکتی نشانه آن است که رهبری و مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی بر اهداف شوم امپریالیسم و ایادی آن آگاهی دارند و به اهمیت حفظ آرامش و حاکمیت قانون واقفند.

جمهوری اسلامی باید آن محافل و عناصر معین جمهوری اسلامی را که همواره به قانون اساسی و به اهمیت حفظ آرامش و امنیت بسی - اعتناء بوده‌اند، مهار کند و اجازه ندهد اینجا و آنجا اقداماتی صورت گیرد که زمینه بهره‌برداری ضدانقلاب را فراهم سازد. بطور مشخص جمهوری اسلامی باید از یک سو آن گرایش قشری و تنگ‌نظرانه در جمهوری را که بر خشونت و هرج و مرج و بی‌قانونی تکیه دارد، قاطعانه مهار کند و بدین ترتیب امپریالیسم و ایادی آن را مایوس سازد و از سوی دیگر به مقابله جدی و هشیارانه با نفوذ عوامل ضد انقلاب در ارگان‌های حکومتی برخیزد. این حقیقتی است که امپریالیسم از دیرباز

کوشیده و همچنان نیز می‌کوشد تا در ارگان‌های جمهوری و به‌ویژه ارگان‌های انتظامی آن نفوذ کند تا توسط این ایادی خودهم در موارد مقتضی به تروریسم جهت‌دار دامن زند و هم در مواردی که برای مقابله با توطئه‌های تروریستی ورود نیروهای انتظامی به صحنه، یک ضرورت است، توان مقابله آنها را کاهش دهد. سازمان ما قاطعانه در راه حاکمیت قانون، حفظ آرامش و امنیت و خنثی کردن توطئه‌های شوم امپریالیسم و ایادی آن می‌کوشد و از اقدامات جمهوری اسلامی در جهت تحقق اهداف فوق قاطعانه حمایت می‌کند. سازمان همچنان بر این باور است که مردم در

صحنه‌اند و هشیارانه در صحنه‌اند مردم متحدان در صحنه‌اند و می‌خواهند که متحدتر هم در صحنه‌باقی بمانند. این همان مردمی است که تاکنون دهها توطئه ضدانقلاب امپریالیست‌ها و داخلی را خنثی ساخته‌اند. مردم ما، همه توطئه‌ها را همچنان شکست خواهند داد شبکه توطئه‌گرها را درهم خواهند کوفت و در راه تحقق آرمان‌هایی که برای تاکنون دهها هزار شهید داده‌اند ایثارگرانه، هشیارانه و قاطعانه همچنان پیش خواهند رفت. مردم قهرمان ما تا رسیدن به استقلال واقعی، تا حصول آزادی کامل و تا نابودی همه دشمنان راه پیشرفت و ترقی اجتماعی، این رزم را ادامه خواهند داد.

بقیه از صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱۴

قرارداد تالیوت مغایر اهداف انقلاب...

درد که نقد و بررسی تمامی آنها در این مختصر نمی‌گنجد. با مطالعه این قرارداد، خواننده به حیرت می‌افتد که چگونه بعضی مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران به خود اجازه حتی طرح آن را داده‌اند و چگونه عمل کرده‌اند که انحصار چند ملیتی و غارتگر تالیوت به خود اجازه داده چنین قرارداد شرم آوری را پیشنهاد نماید. همانطور که دیدیم بر طبق این قرارداد، و در صورت امضاء آن، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد می‌شود که سالانه قطعات یکصد هزار دستگاه اتومبیل سواری را، بی‌آنکه جامعه امروزی ما به آن نیاز واقعی داشته باشد، خریداری کند و هر ۶ ماه یکبار با توجه به میزان تورم در انگلستان، در قیمت‌ها تجدید نظر کند. طرف ایرانی حق کمک گرفتن از شرکت دیگری برای توسعه تولید و ساخت داخلی را ندارد و خود تالیوت نیز بدیهی است که در این زمینه کمکی نخواهد کرد، هر چند که پیش بینی کرده هزینه‌های کارشناسی آن را به شکل دارد که نقد و بررسی تمامی آنها در این مختصر نمی‌گنجد. با مطالعه این قرارداد، خواننده به حیرت می‌افتد که چگونه بعضی مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران به خود اجازه حتی طرح آن را داده‌اند و چگونه عمل کرده‌اند که انحصار چند ملیتی و غارتگر تالیوت به خود اجازه داده چنین قرارداد شرم آوری را پیشنهاد نماید. همانطور که دیدیم بر طبق این قرارداد، و در صورت امضاء آن، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد می‌شود که سالانه قطعات یکصد هزار دستگاه اتومبیل سواری را، بی‌آنکه جامعه امروزی ما به آن نیاز واقعی داشته باشد، خریداری کند و هر ۶ ماه یکبار با توجه به میزان تورم در انگلستان، در قیمت‌ها تجدید نظر کند. طرف ایرانی حق کمک گرفتن از شرکت دیگری برای توسعه تولید و ساخت داخلی را ندارد و خود تالیوت نیز بدیهی است که در این زمینه کمکی نخواهد کرد، هر چند که پیش بینی کرده هزینه‌های کارشناسی آن را به شکل

پیامد حوادث اخیر و...

را نیز در مجموع با خود همراه دارد و این دو مناسب‌ترین فرصت‌ها را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. تلاش مذبوحانه امپریالیسم آمریکا در بکارگیری شیوه ترور و ارباب و از این طریق خارج کردن توده‌ها از صحنه و پراکنده ساختن خلق و بی‌ثبات نشان دادن جمهوری و قدرتمند نمایاندن ضدانقلاب و کریه جلوه دادن این جمهوری در لحظه کنونی با شکست مفتضحانه‌ای مواجه شده است. توده‌ها با تجربه عینی خود می‌بینند که چرا روی آوردن امپریالیسم به تروریسم از روی یاس و سرخوردگی است و آنچه در این میان کاملاً حائز اهمیت است آن است که تمام این فضای مثبت در خدمت انقلاب و تحقق اهداف آن قرار گیرد. هم توده‌ها در صحنه هستند و هم وسایل در دست است دولت جمهوری اسلامی باید بداند که آنچه مردم را فردا نیز در صحنه نگاه می‌دارد، میزان پایبندی وی به خواست‌های اساسی مردم و هدف‌های انقلاب است. میزان پایبندی دولت به قانون اساسی به اعلامیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب اسلامی نه تنها دولت و مردم را در خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم توانا تر می‌کند، بلکه نقش بسیار مهمی در منفرد کردن دشمنان این جمهوری و جلب نیروهای صادق جریان‌های چپ‌رو که به نحو مهلکی در خطر بریدن از انقلاب و مردمانند، ایفاء خواهد کرد. هر نوع بی‌قانونی و هرج و مرج دقیقاً در خدمت تاکتیک جدید امپریالیسم که گسترش تروریسم است، قرار دارد. تنها راهی که امروز برای دشمنان خلق ما باقی مانده است، دامن زدن به جو خشونت، ایجاد محیط رعب و عدم امنیت و نگرانی است. کلید اصلی غلبه بر تاکتیک امپریالیسم در لحظه کنونی قبل از همه در پایبندی دقیق و مسئولانه دادگاه‌های انقلاب کمیته‌ها، سپاه پاسداران و دیگر نهادها به قانون اساسی است. بدین طریق است که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و جنگ میهنی علیه تجاوز رژیم جنایتکار صدام به سوی پیروزی رهنمون می‌گردد مشروط بر آنکه تحقق خواست‌های اساسی مردم و در راس همه تصحیح اساسی سیاست خارجی، ایجاد صنایع ملی (غیر وابسته) به یاری دوستان استقلال میهن ما، دولتی کردن بازرگانی خارجی، اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی و از این طریق مقابله با گرانی و بیکاری که سنگین‌ترین فشارها را بر مردم ما تحمیل می‌کند، این بار بطور جدی و همزمان پی گرفته شود.

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

اخبار شهرستان ها

رئیس کمیته میاندوآب

به جنگ برادرکشی میان ترک و کرد

دامن می زند

میاندوآب - بیش از چهل تن از پاسداران کمیته امام در میاندوآب با امضای طورمای خواستار برکناری " حاجی جمشید اسکندریان " رئیس کمیته این شهر شدند . پاسداران در نامه خود به اعمال و رفتار غیر انسانی این شخص در رابطه با مردم و ماموران کمیته اشاره کرده اند . رئیس کمیته میاندوآب به جنگ برادرکشی میان کرد و ترک دامن می زند و با بازرسی غیرقانونی منازل و شلاق زدن و زندانی نمودن زحمتکشان سهم زیادی در بدبین کردن مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی دارد . زحمتکشان میاندوآب همصدا با پاسداران انقلابی خواهان برکناری و رسیدگی به اعمال غیر قانونی رئیس کمیته میاندوآب هستند .

ضمنا در هفته گذشته کمبود نان و آرد به صورت یکی از مهمترین مشکلات زحمتکشان میاندوآب درآمده است . کمبود و گرانی آرد و سوخت و اعمال نادرست کمیته امور صنفی از جمله عواملی است که به این مشکل اساسی مردم دامن می زند . عناصر ضدانقلابی همچون " بیوک شلوندی " که در میان ماموران کمیته امور صنفی نفوذ کرده اند ، در ایجاد اینگونه مشکلات نقش دارند .

قالی بافان همدان :

باید از دست سرمایه داران خلاص شویم

همدان - گروهی از کارگران قالیباف همدان نامه ای به وزارت کار ، جهاد سازندگی و استانداری همدان نوشته اند و رونوشت آن را برای درج در کار برای ما فرستادند . ما ضمن سپاسگزاری از این زحمتکشان که رونوشت نامه را به " کار " فرستادند . قسمتی از آن را به چاپ می رسانیم :

... ما قالی بافان همدان که پایبند به

انقلاب اسلامی مان هستیم از دولت می خواهیم خواست های زیر را هرچه زودتر عملی کند :

۱ - خامه و سایر ابزار و و ایل قالی بافی ، مستقیما از طرف دولت در اختیار ما گذاشته شود تا دست واسطه ها و سودجویان کوتاه گردد .

۲ - دادن مستمری جهت تامین معاش خود و خانواده مان .

۳ - تامین بیمه درمانی برای همه کارگران و ایجاد وسائل بهداشتی در کارگاه ها .

ما خواستار این هستیم که فرشی را که می بافیم مستقیما به دست خریداران یا دولت

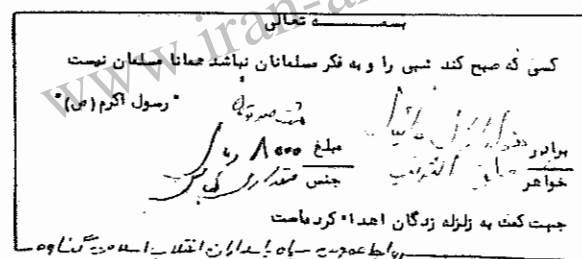
بدهیم تا از دست سرمایه داران که یک عمر حاصل دسترنج ما را به یغما برده اند خلاص شویم .

پشتیبانی خلق عرب از مجازات انقلابی
" حسین فرج اله " عضو " حرکه الجماهیر

خوزستان - زحمتکشان خوزستان و نیروهای انقلابی از اعدام انقلابی یکی از شیوخ مرتجع و خائن به نام " حسین فرج اله " که سالها به غارت و چپاول روستائیان مشغول بود ، پشتیبانی کردند . این شخص که از اعضا فعال سازمان ضدانقلابی " حرکه الجماهیر " بود به همراه تعدادی از همدستانش دستگیر و در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ۶۰ به حکم دادگاه انقلاب دزفول اعدام شد . او که جاسوس رژیم عراق بود و در سمب گذاری ها نیز نقش فعال داشت ، چندی پیش چهار تن از اعضای شورای روستای " الشهدید سبحانی " را به شهادت رسانده بود . هواداران سازمان در خوزستان ضمن تأیید این عمل انقلابی ، خواهان پیگرد و مجازات سایر شیوخ ضدانقلابی و جاسوسان رژیم عراق هستند

کمک به زلزله زدگان

بندر کناوه - هواداران سازمان در گناوه جهت کمک به زلزله زدگان شهرگلیاف کرمان مبلغ ۸۰۰۰ ریال وجه نقد و مقداری لباس جمع آوری و آن را به نام هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به محلی که از طرف بسیج مستضعفین تعیین شده بود تحویل نمودند .



فرماندار این شهر دو نفر از محترکین و نحار به اسامی " حاج جافط مندی زاده " و " حاج کاظم فناده پور " را که امتیاز خرید و توزیع مایحتاج جنگ زدگان را داشتند حلع ید کردند . اتاق بازرگانی اهوار کماکان از این محترکین چپاولگر حمایت می کند و حاضر به لغو امتیاز آنها نیست

* - مسئولان ورزشی شهر کرد و ورزشکاران این شهر بیش از ۱۳۰ هزار ریال پولی را که از محل فروش مسابقه فوتبال میان تیم های شاهین ، شهرکرد و سیاهان اصفهان جمع آوری کرده بودند به حساب ستاد کمک به جنگ زدگان واریز کردند .

* - روستائیان حسن آباد یاسوکنند از توابع بیجار علیه یکی از خوانین به نام " سید محمد " و نیز برکناری علوی سرپرست کمیته که از عوامل حزب منحل خلق مسلمان است ، دست به راهپیمایی زدند . آنان خواهان پس گرفتن منبع آب از فتوئدال ها و استقرار سپاه پاسداران در خانه یکی از فتوئدال های فراری شدند .

تهیه شربت "مرگ بر آمریکا"

در گچساران

رنان و دختران ۶ محله گچساران جهت ایجاد همبستگی بیشتر میان اهالی محل و مطرح کردن شعار " مرگ بر آمریکا " اقدام به تهیه شربت مرگ بر آمریکا کردند . در حین تهیه شربت که با همیاری اهالی محل انجام گرفت مردم با فریادهای بلند شعار " مرگ بر آمریکا " زنده یاد رزمندگان جبهه و مرگ بر صدام می دادند . یکی از پیرزن های محل به نام " ننه حسین " مرتباً به مردم می گفت :

" تمامی بدبختی های ما از امریکا است ، شما هم از من یاد بگیرید و بگوئید مرگ بر آمریکا "

* - نمایشنامه خیابانی " سنگر انقلاب " که در کوی دوالفقاری و پارک شهر بهبهان توسط هواداران سازمان به اجرا درآمده بود با استقبال چشمگیر مردم روبرو گردید .



اخبار کوتاه

* - در تاریخ بیست و هفتم خرداد ۶۰ یکی از فتوئدال های کرمانشاه چهار هکتار زمینی را که در اختیار دهقانی به نام " عزیزحیدری " بود به آتش کشید و تمام محصول گندم و جو این روستایی را نابود کرد . این زمین قبلا در تصرف فتوئدال مزبور بوده است

+ - روستائیان قریه " قراکند " همدان ۴۰۰ هکتار از زمین هایی را که مالکین بزرگ در تصرف داشتند میان خود تقسیم کردند . پس از شکایت مالکین به دادسرا ، پرونده به هیات هفت نفره فرستاده می شود که هیات زمین ها را بین ۴۰ نفر تقسیم می کند و ۳۰ هکتار زمین باقیمانده را در اختیار مالکین قرار می دهد .

* - جوانان شادگان (خوزستان) با یاری

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

اخبار شهرستان ها ...

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار کردستان

مردم کردستان در زیر ضرب فجایع ضدانقلابیون و اقدامات تلافی جویانه و خشونت آمیز نیروهای دولتی قرار دارند .

اخبار رسیده از ارومیه و نرده و مناطق کردستان حکایت از شدت گرفتن تلاشهای ضد انقلابیون و نیز اقدامات خشونت آمیز و تلافی جویانه نیروهای دولتی دارد . ما ضمن درج این اخبار بار هم تاکید می کنیم که بمباران مناطق مسکونی ، اعدام و شدت عمل در برابر مردم راه چاره نیست برای مبارزه قطعی با ضدانقلابیون باید رو به سوی مردم کردستان نمود و با اجرای خواستهای اساسی شان ، صف آنها را از عناصری که به دروغ خود را حامی منافع خلق کرد جا زده اند ، جدا ساخت

در ماههای اخیر و به ویژه در چند هفته گذشته باند قاسملو و سایر ضدانقلابیون با اعمال غیر انسانی سعی در شعله ور ساختن جنگ در مناطق کردنشین داشته اند . متأسفانه بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی نیز در دام این توطئه افتاده و با اقدامات خشونت آمیز ، عملاً بهانه به دست دشمن داده اند . در این میان روستائیان زحمتکش و مردم بی گناه قربانی می شوند و چون برگ گل به زمین می ریزند . در چند ماه گذشته بیشتر درگیریها هنگام " پاکسازی " روستاها از ضدانقلابیون مسلح صورت گرفته است . قربانیان این پاکسازیها عموماً مردم بیگانه هستند که از دو طرف به گلوله بسته می شوند .

نقده - در تاریخ بیست و پنجم خرداد ماه ۶۰ عوامل قاسملو روستای ترک نشین " نظام آباد " واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب نقده را به آتش می کشند . نیروهای سپاه و بسیج روز بعد به مقابله می پردازند که در این درگیریها ۱۰ تن از اهالی روستا و نیروهای بسیج و سپاه شهید و چهارتن زخمی می گردند . از آبیادی قاسملو یک نفر کشته می شود . به تلافی این عمل ، اهالی قریه نظام آباد با کمک سپاه و بسیج ، روستای کردنشین " قره قصاب " را به آتش می کشند که یکی از اهالی به شهادت می رسد . قابل ذکر است که بیشتر روستائیان قبلاً خانه های خود را ترک کرده بودند . این هر دو اقدام با اعتراض زحمتکشان مناطق اطراف روبرو شده است

سقز - در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۰ صد - انقلابیون ، یکی از کارمندان آموزش و پرورش سقز به نام " بیدهدندی " را ترور کردند . هواداران سازمان ضمن شرکت در مراسم تشییع جنازه این شهید ، اعلامیه ای منتشر کردند در قسمتی از این اعلامیه که با عنوان " ترور تلاش مذبحخانه ضدانقلاب " شروع شده چنین آمده است :

" ما ترور ناجوانمردانه و جنایتکارانه آقای بیدهدندی را محکوم کرده و ضمن تسلیم به نهادهای انقلابی ، خانواده و همکاران و دوستان ایشان ، از نهادهای انقلابی و مسئولان منعهد خواستاریم که در ارتباط با اینگونه حوادث ضمن حفظ متانت و شکیبایی انقلابی

آگاهانه عمل نمایند . باید در نهایت دوراندیشی و درایت سیاسی از دست زدن به هرگونه اعمالی که موجب برهم زدن آرامش و فراهم شدن زمینه تبلیغاتی برای نیروهای ضدانقلابی گردد خودداری شود .

این اعلامیه با شعار مرگ بر آمریکا و " ایجاد تشنج ، ایجاد درگیری خدمت به امپریالیسم است " پایان می گیرد .

مهاباد - درگیری دارلک

صبح روز ۱۸ خرداد ۶۰ عده ای از افراد ارتش سپاه و گروهان پاکسازی ، کمیته و ژاندارمری محمدیار (که همگی روستایی و از اهالی محل هستند) برای پاکسازی به روستای دارلک ، در حوالی مهاباد عزیمت می کنند . یک هلیکوپتر نیز اقدام به پیاده کردن ۴۰ نفر از افراد ورزیده در قسمت دیگر روستا می نماید تا از این طریق روستا را محاصره و خلع سلاح کنند . طی درگیری ، هلیکوپتر توسط عوامل قاسملو به آری پی چی بسته می شود و سقوط می نماید و ۳۵ تا ۴۰ نفر از نیروهای دولتی نیز به شهادت می رسند . تعدادی از نیروهایی که به وسیله هلیکوپتر در سمت دیگر روستا پیاده شده بودند از طرف نیروهای قاسملو محاصره می شوند که تعدادی شهید و گروهی اسیر می شوند این درگیری تا ساعت ۱۰ شب ادامه می یابد . نیروهای ارتشی پس از اینکه روستا را به توپ و خمپاره بستند ، توانستند محاصره را شکسته و عقب نشینی کنند . آنان در حین عقب نشینی به تعدادی از روستاهای کردنشین نیز حمله می کنند .

در تاریخ بیست و دوم خرداد ۶۰ جنازه ۳۵ تن از شهدای دارلک در ارومیه تشییع می شود . براساس یک گزارش ، فرمانده ارتشی این عملیات گفته است :

" برای تلافی باید روزی ۱۰۰ پیشمرگ بکشیم " وی درخواست هلیکوپترهای کبری نموده و نیروهای خود را برای تهاجم گسترده تری آماده می کند . در این میان مردم از ادامه درگیریها بیمناکند و با توجه به نزدیک شدن فصل برداشت محصول خواهان صلح و آرامش اند . رادیوی قاسملو با تبلیغات عوام - فریبانه سعی در تحریک مردم دارد . این رادیو در مورد درگیریهای دارلک تبلیغات پر سرو صدایی به راه انداخته و خبر از ادامه زد و خورد های تازه در مهاباد و مناطق اطراف آن داده است

نگرانی مردم از ادامه درگیریها

جو ضد کردی در منطقه محمدیار و روستاها اطراف بالا گرفته است تشدید این جو به دلیل عملکرد نادرست و غیر مسئولانه دفاتر نیروهای دولتی و از جمله سپاه و کمیته و گروهان پاکسازی ژاندارمری در این منطقه و بخصوص پخش تبلیغات نادرست و مغرضانه است . مردم با نگرانی و التهاب جریانات را پیگیری می کنند . استقرار نیروهای دولتی در جاده نقده - پیرانشهر در " قلعه باران " (نزدیک روستای قارنا) و نیز نقل و انتقال عوامل وابسته به باند قاسملو در مناطق نزدیک به نقده نگرانی مردم را برانگیخته است

اخیراً عوامل قاسملو دو نهر منشعب از رودخانه " گادار " را که به دهها روستای می رساند سد کرده اند این نهرها در روستای " ده شمس " در منطقه اشویه و نزدیکی نقده قرار دارد .

میلیون هائین ...

بقیه از صفحه ۵

۳ - برنامهریزی علمی جهت بهره برداری از چراگاهها
الف - اصلاح و بهبود چراگاهها ، اصلاح و پخش بذر و گیاهان مرتعی
ب - جلوگیری از شخم مراتع که برای تبدیل مراتع به دیمزار صورت می گیرد .
ج - تعیین ظرفیت چراگاهها و انطباق میزان بهره برداری سالیانه با این ظرفیت .
د - تعیین زمان ورود و خروج دامها به چراگاهها .

۴ - ایجاد و گسترش تعاونیهای تولید و توزیع و مصرف عشایری
با ایجاد اینگونه تعاونیها باید دست سلفخرها ، نزولخواران ، واسطهها از زندگی عشایر زحمتکش کوتاه گردد و فعالیت های تولیدی عشایر به گونه ای مردمی سازمان یابد . این تعاونیها تضمین های لازم برای خرید محصولات دامی و غیر دامی عشایر را از جانب دولت امکان پذیر می سازد .

۵ - بهبود سطح زندگی عشایری :
تاسیس مراکز درمانی و بهداشتی ، ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی ، ساختن راههای ارتباطی باید در راس برنامه دولت به منظور بهبود سطح زندگی عشایری قرار گیرد .

۶ - اسکان عشایر :
زندگی و اقتصاد عشایری باید با توجه به ویژگیهای فرهنگی و قومی ایلات و عشایر ایران در مسیری منطبق با پیشرفت اجتماعی و رشد مستقل اقتصاد ایران که از اهداف انقلاب است دگرگون شده و تجدید سازمان یابد .

اسکان ایلات و عشایر به مثابه جزیی از روند پیشرفت و تکامل همه جانبه جامعه ما باید سازمان یابد . چنین اسکانی جزیی از روند تعمیق انقلاب برای محو و نابودی فقر و ناداری و عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی توده های میلیونی عشایر است .

بقیه از صفحه ۴

آقای موسوی! کدام ...

پیش راند . از این رو است که همه نیروهای انقلابی و مدافع و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران به دقت هر گونه تحولی را در وزارت خارجه جمهوری و بطور کلی در سیاست خارجی ایران مورد بررسی جدی قرار می دهند . و قطعاً هرگونه تحول و اقدام مثبتی را در زمینه سیاست خارجی مورد حمایت قرار می دهند .

اگر زمانی لیبرالها و سازشکاران می توانستند در اتخاذ سیاست خارجی ترقیخواهانه و منطبق با مصالح انقلاب کارشکنی کنند امروز به بغین چنین تواتی را ندارند . از امروز مسئولیت های سیاست خارجی بیش از هر زمان دیگر به خود نیروهای خط امام باز می گردد . این مسئولیتها ایجاب می کند که طراحان سیاست خارجی جمهوری اسلامی با جمع بندی تحارب دو سال و نیم گذشته و با بهره گیری از تحارب همه دول ترقیخواه و مستقل جهان سیاست روشن و درخور نیازهای حیاتی انقلاب را اتخاذ کنند



حذف کاندیداهای

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای

اسلامی در تبریز

اقدامی علیه قانون اساسی است

فدائیان خلق ایران (اکثریت) همچنان که در جبهه‌های جنگ، سنگرهای تولید و در تمام عرصه‌های مبارزاتی قاطعانه علیه دشمنان انقلاب می‌رزمند مجلس شورای اسلامی را نیز عرصه‌ای مهم از مبارزه طبقاتی می‌شناسند که بایستی در آنجا هم پیگیرانه برای دفاع از حقوق زحمتکشان، گسترش انقلاب و حفظ دستاوردهای آن و تأمین آزادی‌های اجتماعی به مبارزه برخاست و با تلاش در جهت تأمین وحدت کلیه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست پوزنه دشمنان انقلاب را به خاک مالید.

براین اعتقاد و با تبعیت از قانون اساسی جمهوری اسلامی قانون انتخابات و اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب در مورد احزاب و گروه‌ها، ما در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی شرکت جستیم و برونده کاندیداهای خود را بی هیچ نقصی در تاریخ سیزدهم خرداد ۶۰ (قبل از اتمام مهلت اعلام شده) به فرمانداری تبریز تحویل دادیم در تاریخ بیستم خرداد ۶۰ صلاحیت کاندیداهای ما از طرف شورای نظارت بر انتخابات مرکب از مقامات رسمی شهر و نمایندگان شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفت و رسماً "ابلاغ گردید" و بدین طریق کاندیداهای ما فعالانه به تبلیغات انتخاباتی پرداختند و بالاخره در روز چهارشنبه سوم تیر ۶۰ بی هیچ استدلال منطقی و مجوز قانونی، نام کاندیداهای ما از لیست کاندیداهای انتخاباتی حذف گردید و مطرح شد که چون پرونده شما یک روز دیرتر از موعد مقرر به تهران رسیده است، لذا از پذیرش تقاضای کاندیداتوری شما خودداری گردیده.

از نظر ما این اقدام ارگان‌های مسئول برگزاری انتخابات حرکتی است غیر قانونی و انحصارطلبانه آیا حذف اسامی رفقای ما از لیست کاندیداتوری در آخرین روز مهلت تبلیغات قبل از انتخابات و آن هم با چنین استدلالی بی پایه جز اقدامی علیه قوانین مملکتی است؟ آیا مسئولین جمهوری اسلامی ندای امام خمینی را که امسال را سال حاکمیت قانون نام نهاده‌اند، اینچنین پاسخ خواهند گفت؟ آیا شکستن قانون به دست خود نویسندگان آن، این امکان را به دشمنان دوست‌نمای انقلاب و جمهوری اسلامی نخواهد داد که همچون بنی‌صدر بی‌پروا بگویند "من قانون را قبول ندارم!"؟

به اعتقاد ما در این شرایط حساس کشور که

هیأت محترم نظارت بر انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی حوزه انتخاباتیه تبریز!

احتراماً اینجانبان محمدرضا حدادپور خیابان و محمدنیری فاضل کاندیداهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی در تبریز پیرو اطلاعیه فرمانداری شهرستان تبریز، مدارک

خود را طی شماره‌های ۳۲۱۵ و ۳۲۱۷ به دفتر فرمانداری تبریز ارائه و فرم مخصوص امضای معتمدین شهر را دریافت نمودیم. ۶۰/۳/۱۲ ۶۰/۳/۱۲

لیست حاوی امضاء بیست نفر معتمد شهر نیز بشماره‌های ۳۲۵۳ و ۳۲۵۵ به دفتر فرمانداری شهرستان تبریز تحویل داده شد بطوریکه از تاریخ تحویل مدارک مشهود است تغللی و تاخیری از طرف اینجانبان در تحویل مدارک خود به دفتر فرمانداری شهرستان تبریز صورت نگرفته است. این مسئله پیرو آگهی شماره ۴۰۲۷ مورخه ۶۰/۳/۲۵ فرمانداری تبریز مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبین نمایندگی، که در آن اسامی ما جزو اسامی افرادی که صلاحیت آنها برای کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی تأیید گردیده بود، کاملاً روشن می‌شود.

بالاخره در عصر روز چهارشنبه ۶۰/۴/۳ یعنی آخرین روز تبلیغات انتخاباتی بطور شفاهی با اطلاع داده شد که بدلیل دیررسیدن مدارک ما به تهران بمدت یک روز، ما اجازه شرکت در انتخابات را نخواهیم داشت. با توجه بانکه دیررسیدن مدارک ما نه بدلیل تغللی ما در ارائه مدارک خود بلکه صرفاً ناشی از کار هیأت نظارت حوزه اسحاق سریر بوده است. لذا ما کار گذاشته شدن خود را از کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی بر مبنای دلایل ارائه شده موجه و قانونی ندانیم و بر این مبنا نتایج این انتخابات نیز بنظر ما نمی‌تواند قانونی باشد.

در رماکه امام خمینی بطور مرتب ضرورت رعایت قانون را از طرف تمامی ارگانهای جمهوری اسلامی و مردم سائر ایران توسر می‌سازد بر خوردی اینجس با مسئله انتخابات بهیچوجه نمی‌تواند مورد تأیید ما و یا هر ایرانی مؤمن به انقلاب، قانون اساسی و بالاخره جمهوری اسلامی ایران باشد.

با در نظر گرفتن مطالب مذکور در بالا ما حواهان بررسی مجدد نحوه برگزاری انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخاباتیه تبریز بوده و امیدواریم با دلایل قانونی و قانع‌کننده‌ای در توضیح لغو کاندیداتوری ما ارائه گردد و در غیر اینصورت این انتخابات از نظر قانونی محدوش اعلام شده و تجدید گردد.

با احترام

محمدرضا حدادپور خیابان و محمدنیری فاضل

۶۰/۴/۷

رونوشت:

وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران

استانداری آذربایجان شرقی

فرمانداری شهرستان تبریز

آیت‌الله مدنی نماینده امام و امام جمعه تبریز

ما ضمن ابراز تأسف از چنین موارد برخورد غیرمسئولانه شکایات خود را از مجاری قانونی دنبال نموده و علیرغم انتقادات خود به پاره‌ای از مفاد قوانین جمهوری اسلامی، همچنان به آنها وفادار خواهیم ماند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شاخه آذربایجان

۶ تیرماه ۱۳۶۰

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هارتر از هر زمان به دشمنی علیه انقلاب مردم ایران برخاسته است و کشورهای مرتجع منطقه به تبعیت از اربابان امپریالیست خود به تدارک و عملی ساختن دهها توطئه علیه مردم ایران مشغولند، در شرایطی که کلیه نیروهای ضد - انقلابی، جبهه متحد و فعالی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند حتی نیروی ماهیتاً ضدامپریالیستی مثل مجاهدین را نیز عملاً "به درون جبهه خود کشانده رودر روی پیشرفت انقلاب قرار داده‌اند دشمنی با نیروهای وفادار به انقلاب، اقدامات کور و انحصارطلبانه علیه نیروهای ضدامپریالیست و زیر پا گذاشتن عمدی قوانین جمهوری اسلامی به دست مسئولین آن، نتیجه‌ای جز تضعیف پایسمای انقلاب، خدشه‌دار ساختن وحدت مردم و نهایتاً "تقویت جبهه دشمنان انقلاب نخواهد داشت".

چنین اقداماتی عملاً "در اذهان مردم از اعتبار ارگانی انقلابی مثل مجلس شورای اسلامی خواهدکاست مردم را به جمهوری اسلامی و مسئولین آن بی‌اعتماد خواهد ساخت و نهایتاً جبهه انقلاب را تضعیف و دشمنان انقلاب را خشنود خواهدکرد.

تصحیح یک خبر

در "کار" شماره ۱۱۰ خبری مبتنی بر آزادی یکی از هواداران سازمان به نام محمد رحمانی درج شد. ضمن پوزش از خوانندگان و با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که محمد رحمانی کشاورز زحمتکش هوادار سازمان همچنان در زندان بسر می‌برد. ضمن اعتراض به بازداشت بی‌دلیل محمدرحمانی خواهان آزادی فوری او هستیم.

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

آرمان رفیقان شهید ما پیروز است

پیام فدائیان خلق (اکثریت)

از جبهه رقابیه بمناسبت هشتم تیر

۸ تیر روز شهدای سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" گرامی باد!

۵ سال پیش در چنین روزی رفیق حمید اشرف و همزمانش قهرمانانه جان باختند و به کهکشان پرستاره و باشکوه خلق پیوستند.

امروز در شرایطی خاطره تابناک رفقا را گرامی می‌داریم که هزاران رزمنده فدائی در زیر پرچم پرافتخار سازمان فدائیان خلق "اکثریت" که به حق ادامه‌دهنده راستین راه انقلابی رفقای شهید هستند، بر علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و متجاوزین یعنی، همدوش کارگران و دیگر زحمتکشان میهنمان پیکار می‌کنند.

ما نیز به خود می‌بالیم که بنا به رهنمود سازمان مبنی بر شرکت در جنگ علیه متجاوزین، بطور خستگی‌ناپذیر در جبهه‌های جنگ به مبارزه ادامه می‌دهیم.

جاودان باد خاطره تابناک شهدای بخون خفته خلق
هرگز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
سرنگون باد رژیم ضد مردمی عراق

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
از جبهه رقابیه

تاریخ خونبار زحمتکشان میهنمان تصویر کردند. اگر این رزمندگان به همان گونه که آموزگار بزرگ ما لنین می‌گوید: "با وجود اینکه تنها از طریق قشر اجتماعی نازکی حمایت می‌شدند و با وجود اینکه بر فراز این جنبش پرچم یک تئوری انقلابی در اهتزاز نبود، قادر گردیدند یک چنین نقش عظیمی در تاریخ "میهنمان ایفاء نمایند آنگاه سازمان نیرومند ما که اینک "بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا اتکاء دارد قادر خواهد بود که شکست‌ناپذیر گردد" و قادر خواهد بود "مبارزه را با انرژی بازهم بیشتری علیه بورژوازی و سرمایه تا پیروزی کامل به پیش برد.

سد و مانعی نمی‌توانست رفیقان ما را از مبارزه در راه رهایی زحمتکشان باز دارد، امروز نیز نه دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم، نه تبلیغات و تبلیغات سرمایه‌داری و نه قشریت و انحصارطلبی‌ها نمی‌توانند ما را از حرکت در راه اهداف انقلابی بزرگمان بازدارد. امروز فدائیان خلق "اکثریت" مشتاقانه‌تر از همیشه ۸ تیر روز شهدای سازمان را گرامی می‌دارند. سازمان ما اکنون بمثابة رزمنده‌ترین گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران به پیشواز آن اهداف بزرگ و آن سنن انقلابی سترگی می‌شتابد که رزمندگان شهید فدائی خلق در طول یک دهه حیات سراسر افتخار خویش در

می‌دهد. فدائیان خلق امروز نیز در تمامی عرصه‌های کار و پیکار میراث‌دار آن سنت‌های انقلابی حماسی هستند و برآنند تا با پای‌بندی به این سنت‌های انقلابی تا رهایی کامل زحمتکشان به نبرد بی‌امان خویش ادامه دهند. اگر امروز نیروی فدایی پرچوش و پرخروش به پیکار علیه امپریالیسم جهانی ادامه می‌دهد، اگر امروز فدائیان خلق آنی از ستیز علیه ضدانقلاب و علیه نیروی جهانی سرمایه باز نمی‌ایستند، اگر امروز شاهد آنیم که در جبهه‌های جنگ مقاومت فدائیان خلق در کنار دیگر نیروهای انقلابی بی‌ظن‌ترین حماسه‌های میهن‌پرستانه را می‌آفرینند، همگی نشانگر ژرف‌ترین پیوندها میان فدائیان خلق و توده‌های مستبدیده مردم و سایر پیوند آنان به مجموعه سنت‌های انقلابی است که در طول بیش از یک دهه پاسدار و حافظ آن بوده‌اند. اکنون که فدائیان خلق در تمامی جنبه‌ها به تحولی چشمگیر و غروربرانگیز نائل شده‌اند و در کنار اردوی انقلاب جهانی و نیروی جهانی سوسیالیسم به پیکار جهانی ادامه می‌دهند، مصمم‌تر از همیشه به آرمان کارگران و زحمتکشان و سنن انقلابی خویش وفادارند. اگر دیروز هیچ نیرو و هیچ

ناپذیر اسکندر و پویان در خون نشستند، آنگاه که گل‌بوته‌های تپه‌های اوین نظاره‌گر حماسه مقاومت بیژن و همزمان بود، آنگاه که حمید و یارانش آماج گلوله‌های بی‌شمار دشمن شدند، آنگاه که رفیق سیادتی در سوزهای ملت‌هیب قیام و در پیشاپیش خلق پیروزمند هدف گلوله‌های بی‌امان دژخیمان شاه قرار گرفت، و نیز پس از پیروزی خلق و انقلاب شکوهمند بهمن‌ماه آنگاه که رفقا کشتی‌زاده‌ها و رشوندها در خون نشستند و گندم‌زاران ترکمن‌صحرا از خون توماج و همزمان گلگون شد، و آنگاه که عنایت رئیسی و همزمان در دفاع از استقلال میهن در جبهه‌های مقاومت جنوب جان باختند، و آنگاه که میرای کوچک نوگل سرخ فدائی در میهن پرشکوه اول ماه مه در تهران در تمامی این لحظه‌ها، قلب رفیقان ما برای یک چیز می‌تپید و چشمان پر امید فدائیان خلق یک چیز را می‌طلبید: پیروزی خلق و رهایی زحمتکشان!

از پگاه سرخ بهمن ۴۹ تا سپیده دم خونین بهمن ۵۷ رفقای ما با ایثار و جانبازی در راه آرمانی پیکار کردند که امروز نیروی بزرگ فدائی در جبهه‌های نبرد علیه امپریالیسم و رژیم تجاوزگر عراق در پهنه گسترده انقلاب ایران آن را ادامه

۸ تیر روز شهدای سازمان رفقای داشت خاطره رفقای شهیدی است که در سالهای سیاه دیکتاتوری، در لحظه‌های پرشکوه قیام خلق و در روزهای پس از انقلاب خونبار خلقمان به سنیز تا پای جان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا برخاستند.

۸ تیر یادآور تلاش انقلابی انسان‌هایی است که در هیچ شرایطی تسلیم اختناق نشده و جان‌های پاک خویش را در راه استقلال و آزادی میهن و رهاستاری زحمتکشان از ستم و استثمار فدا کردند.

۸ تیر یادآور حماسه‌های بی‌مانندی است که به دست فرزندان راستین خلق در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و میدان تیر، در قیام و در سنگر سیدی‌های حیابانی و در میدان جنگ علیه متجاوزگران عراقی آفریده شد.

۸ تیر یادآور قهرمانی‌ها و جانبازی‌ها و شهادت‌هایی است که در ظلمت سبب دیکتاتوری نطفه بست. در روزهای پرشکوه قیام خلق بارور گشت و به شکوفه‌نست در تمامی این لحظات دورانسار، فدائیان خلق جز به رهایی زحمتکشان و ایجاد جامعه‌ای خالی از ستم و بیداد نمی‌اندیشیدند.

آنگاه که جنگ‌های سرسبز گیلان از خون رفقا صفائی و یاران رنگ خون گرفت، آنگاه که پس از ساعتها رزم خستگی

طرح ...

بقیه از صفحه ۷

نیز با دعوت از استادکاران هر رشته، برنامه‌های آموزش علمی برگزار گردد و البته در جوار این برنامه‌ها، به بهترین شکل ممکن از نظام استاد شاگردی که یکی از طرق متداول و سنتی انتقال مهارت‌هاست، بهره گرفته شود. تنها به این ترتیب می‌توان هم مسئله آموزش حرفه‌ای را حل کرد و هم مسئله صنایع کوچک را. با توجه به آنچه گفته شد، نظام استادشاگردی پیشنهادی شورای عالی کارآموزی، از آنچه که قادر نخواهد بود مسئله واحدهای تولیدی، بالاخص مسئله کارگران این واحدها را حل کند و نیز نخواهد توانست مشکل آموزش حرفه‌ای و اشتغال را حل نماید، باید لغو گردد و تمهیدات لازم جهت حل ریشه‌ای مسئله (آنچنانکه فوقاً برشمردیم) فراهم آید.

عرضه گردد و رابطه ناگسستگی بین صنایع و دانشگاه‌ها برقرار گردد و برطبق یک برنامه زمانی معین، نیازهای جامعه به نیروی انسانی متخصص، تدریجاً تأمین گردد.

در کوتاه مدت، همزمان با شروع به برنامه‌ریزی برای واحدهای بلندمدت فوق باید از امکانات آموزش حرفه‌ای موجود، در کارخانجات مختلف، بالاخص واحدهای عظیم آموزشی که با کمک کشورهای سوسیالیستی در کارخانجاتی چون تراکتورسازی تبریز، ماشین‌سازی تبریز، ماشین‌سازی اراک و ... ایجاد شده، حداکثر استفاده به عمل آید. کلیه واحدهای تولیدی برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان مدت آموزشی خود را تدوین کرده و به‌اجرا گذارند. برای صنایع مختلف

و پس از آن با توجه به آنکه به سن فانونی کار (۱۶ سالگی) نیز رسیده‌اند، مستقیماً وارد فعالیت‌های تولیدی در صنایع و یا کارگاه‌های کوچک شوند. می‌توانند دوره دبیرستان خود را در یک رشته فنی خاص طی کنند و از آن طریق یا وارد کار تولیدی شوند و یا وارد مدارس عالی آموزش ... همچنین می‌توانند همانند شرایط فعلی، دوره نظری دبیرستان را طی کرده و پس از آن یا وارد دانشگاه یا وارد کار تولیدی و خدماتی گردند. علاوه بر این دوره کوتاه‌مدت حرفه‌ای و فنی در رشته‌های مختلف باید ایجاد و

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

پیام تسلیت لئونید برژنف به امام خمینی

خبرگزاری پارس متن تلگرافی را که از سوی لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت فاجعه انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران به امام خمینی مخابره شده است، انتشار داد. در تلگرام لئونید برژنف آمده است:

"با تأثر آگاه شدم که تعدادی از دولتمردان و اتباع ایرانی بر اثر اقدامات تروریستی درگذشته‌اند. همدردی عمیق ما را بپذیرید و از شما درخواست می‌کنیم تا تاسف ما را به خانواده‌ها و دوستان درگذشتگان اطلاع دهید.

لئونید برژنف
صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

حضور محترم بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی

فاجعه جانگداز شهادت دهها تن از فرزندان مبارز مردم قهرمان ایران را به حضور رهبر عالیقدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تبریک و تسلیت می‌گوئیم.

این جنایت فجیع و تلاش مذبحخانه عمال امپریالیسم امریکا قطعاً عزم استوار مردم قهرمان و بپاخاسته ایران را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استوارتر خواهد ساخت.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در این موقعیت خطیر با عزم استوار در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی تا پای جان همراه مردم همیشه بیدار در مقابل توطئه امپریالیسم جنایتکار امریکا و ایادی آن ایستاده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۰

حضور محترم آیت الله منتظری

فاجعه جانگداز شهادت دهها تن از فرزندان مبارز مردم قهرمان ایران را به حضور آن فقیه عالیقدر تبریک و تسلیت می‌گوئیم.

شهادت بیداری‌آفرین این فرزندان خلق، از جمله فرزند عزیزتان که همواره رهرو صدیق انقلاب و خلق بود، ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و مزدورانش را آشکارتر کرده و قطعاً عزم استوار مردم قهرمان و بپاخاسته ایران را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استوارتر خواهد ساخت.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در این موقعیت خطیر بار دیگر عزم استوار خود را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد.

فدائیان خلق "اکثریت" همراه مردم همیشه بیدار ایران، استوارتر از همیشه تحت رهبری امام خمینی علیه امریکای جنایتکار قاطعانه می‌رزمد. این مشت محکم ماست بر دهان مزدوران امپریالیسم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۰

حذف کاندیداهای

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای

اسلامی در تبریز

اقدامی علیه قانون اساسی است

به اعتقاد ما در این شرایط حساس کشور که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هارتر از هر زمان به دشمنی علیه انقلاب مردم ایران برخاسته است و کشورهای مرتجع منطقه به تبعیت از اربابان امپریالیست خود به تدارک و عملی ساختن دهها توطئه علیه مردم ایران مشغولند، در شرایطی که کلیه نیروهای ضدانقلابی، جبهه متحد و فعالی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند، دشمنی با نیروهای وفادار به انقلاب، اقدامات کور و انحصارطلبانه علیه نیروهای ضدامپریالیست و زیر پا گذاشتن عمدی قوانین جمهوری اسلامی به دست مسئولین آن، نتیجه‌ای جز تضعیف پایه‌های انقلاب خدشدار ساختن وحدت مردم و نهایتاً "تفویت جبهه دشمنان انقلاب نخواهد داشت.

در صفحه ۱۸

سوء قصد به حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای

جزئی از توطئه امپریالیسم امریکا

عوامل ضدانقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی ایران بار دیگر به توطئه‌چینی پرداخته و حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای امام جمعه تهران و نماینده امام در شورایی عالی دفاع را مورد سوء قصد قرار دادند.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" سوء قصد جنایتکارانه به حجت الاسلام خامنه‌ای را محکوم می‌کند. امپریالیسم آمریکا و عوامل آن با چنین اقداماتی به گسترش جو خشونت و تروریسم دامن می‌زنند، اقداماتی از این قبیل برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای روی کار آوردن دولت وابسته به امپریالیسم است.

ما ضمن ابراز تاسف از وقوع این حادثه، بهبود هرچه سریع‌تر آقای خامنه‌ای را آرزو مندیم.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۶۰

اقلیت:

در سالگشت انشعاب

در صفحه ۱۰

طرح «استاد شاگردی» وزارت کار، گامی است

به عقب در تفسیر قانون کار آموزشی گذشته

در صفحه ۶

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر